

## اتهام او "زناى محصنه" بود

مهري ملكوتى - وكيل - پژوهشگر

دادگاه تشكيل جلسه داد. پروين در جايگاه متهم قرار گرفت. اتهام او "زناى محصنه" بود و كيفرخواست صادره، مجازات سنگسار را پيشنهاد مى كرد. شوهر شاكى خصوصى بود، ولي جرم "زناى محصنه" در مجموعه "حق الله" قرار مى گيرد و هنگامى كه ثابت مى شود، حتى گذشت شاكى خصوصى نمى تواند، مرتكب را از مجازات "حدود الهى" كه گفته مى شود "سنگسار" يكي از آنهاست برهانند. بنا بر اين در جلسات رسيدگى، نقش وكيل مدافع بسيار اهميت دارد و مرگ و زندگى يك "انسان" تحت تاثير آن قرار مى گيرد.

پروين در مرحله تحقيقات به رابطه جنسى خارج از ازدواج اقرار کرده است. مرد هم جرم او هم در جلسه رسيدگى حضور دارد. ولي مرد هم جرم فقط متهم به ارتكاب "زنا" است و وصف احصان، شامل حال او نمى شود. در نهايت به مرگ محكوم نمى شود. چرا؟ چون مجرد است و زن ندارد. وكيل او هم در جلسه حاضر است. هر دو مجرم به صورت ظاهر مرتكب يك نوع جرم شده اند كه رابطه خارج از ازدواج است، ولي قانونگذار دو گونه مجازات براى هر يك تعيين کرده است. نظر به اين كه زن شوهر دارد و ظاهراً دسترسى به تمتع جنسى با همسر شرعى و قانونى خود داشته، مجازات مرگ انتظارش را مى كشد. اما مرد با آن كه مرتكب همان جرم شده، به سبب آن كه همسرى مشروع و قانونى در دسترس نداشته، حداكثر به يك صد ضربه شلاق محكوم مى شود كه مجازات سنگينى است، ولي با مجازات مرگ كه زن هم جرم او ممكن است به آن محكوم بشود، تفاوت دارد. بدون شك مرد هم جرم ادعا خواهد كرد كه خبر نداشته زن متاهل است. در هر حال از سنگسار نجات پيدا مى كند، اما از حد زنا نمى تواند خود را نجات بدهد.

آيا وكيل مدافع زن، دستش خالى است؟ با وجود اين همه سختگيرى هاى قانونى، وكيل نمى تواند به موكل خود كمك كند و او را از مجازات مرگ برهانند؟ صحنه را زير چشم دارم. وكيل مدافع زن با اعتماد به نفس وارد دفاع مى شود. موكلش حتى در حضور قاضى در جلسه اقرار کرده. نه يك بار كه چهاربار. بنا بر اين به نظر مى رسد، از وكيل مدافع كارى بر نمى آيد. پس چرا اين اندازه اعتماد به نفس دارد؟

دفاع از زن شروع مى شود. دست وكيل خالى نيست. پيداى مدتها روى پرونده كار کرده و مى داند چه مى كند. او ابتدا به دادگاه گزارش مى دهد كه شوهر موكلش، همسر جوان و زيبائى دارد كه از يك سال پيش او را صيغه کرده است.

حاضران در گوشى به هم مى گویند: اين كه ربطى به پرونده حاضر ندارد. كار خلاف شرع كه نكرده است.

وكيل ادامه مى دهد: مرد به ندرت به خانه همسر دائم مى آمده و فقط با بچه ها ديدار مى کرده، اما شب آنها را ترك مى کرده است. وكيل با معرفى شهود كه همسايه ها و فرزندان زن هستند به قاضى توجه مى دهد كه براى زن با آن كه شوهر داشته، دسترسى به تامين تمنيات جنسى به صورت مشروع ميسر نبوده است.

وكيل مدافع پس از ورود به مفاهيم فقهى و قانون مجازات اسلام در اين باره، برائت موكل را از اتهام "زناى محصنه" خواستار مى شود.

دادگاه شوهر را فرا مى خواند تا پاسخ بدهد. مرد از موازين فقهى و قانونى اطلاعات ناقصى دارد و مى گوید در هر حال او ناموس من است و حق نداشته به علت اين كه من مدتى با او هم خوابگى نكرده ام، بى ناموسى كند و به غيرت مردانه من صدمه بزند.

آبرويم پيش در و همسايه و اهل محل و همكارانم رفته است. بايد سنگسار بشود. اصلاً "به او چه مربوط كه من زن ديگرى گرفته ام. حكم دين را اجرا کرده ام. خلاف كه نكرده ام. وكيل شوهر دست و پاى خود را گم مى كند و متوجه مى شود در موقعيت ضعف قرار گرفته است. تقلاً مى كند دفاعيات موكل خود را رفع و رجوع كند نمى تواند.

قاضى چند شاهد را كه پشت در ايستاده اند فرا مى خواند. شهادت مى دهند كه مرد گاهى به خانه سرى مى زده و غروب از زن و فرزنداناش جدا مى شده است. البته شوهر نفقه مى داده و به بچه ها و خواسته هاى آنها رسيدگى مى کرده، اما حضورش موقت بوده و زن همواره از او نزد همگان ابراز گله مندى مى کرده است.

قاضى به تامل مى نشيند و اظهارات شاكى را بالا و پائين مى كند و شوهر را سوال پيچ. تا به صراحت در مى يابد كه شوهرمدتها پيش از وقوع رابطه جنسى خارج از زناشوى، به همسرش نزديك نمى شده است.

نتيجه:

زن به لحاظ آن که امکان تمتع جنسی به صورت شرعی نداشته از "زناى محصنه" تبریّه و اتهام او تبدیل می شود به "زنا". سایه وحشتناک مرگ به صورت سنگسار یا اعدام محو می شود و مجازات تبدیل می شود به یک صد ضربه شلاق.

اگر عادلانه داوری کنیم، زن اساساً نباید محکوم به مجازات می شد. چون شوهر با او هم خوابگی نمی کرده و او را در مشقت جنسی قرار داده بود. شوهر با استفاده از قانون و شرع، زن زیباتر و جوان تری را به صورت موقت عقد کرده وزن دائم او، یک چنین جوازی برای کام جوئی جنسی نداشته است. در عسرو حرج کامل به سر می برده است. شاید در چنین شرایطی زن کاسه صبرش پر شده و به رابطه خارج از ازدواج تن داده است. در واقع انگیزه ارتکاب جرم را "قانون" ایجاد کرده است که به مرد انواع امکانات را برای کامیابی داده و همه را از زن دریغ کرده است. به جای آن به مردان جواز قتل ناموسی و شکایت از زن خلاف کار را تا سرحد کشتن او به دست قانون داده است. این عدالت است؟

راستی یک چنین انسان گرفتاری چرا باید علاوه بر زندگی مشقت باری که پشت سر دارد، یک صد ضربه شلاق هم بخورد؟ عقل و عدالت را وسط بگذاریم. باید در تعریف عدالت، متناسب با زمانه ای که در آن زندگی می کنیم، تجدید نظر شود.

## چگونه بوسیله قانون خشونت خانگی را کنترل کنیم؟



مهری ملکوتی، وکیل و پژوهشگر

**خانه امن:** در قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران، قوانین خاص کنترل کننده خشونت خانگی و حمایت از زنان قربانی خشونت، به روشنی تعریف و گنجانده نشده است. با این وصف زنان قربانی خشونت می توانند با استفاده از قوانین کنترل کننده خشونت که به صورت عمومی در قانون مجازات اسلامی گنجانده شده، از کرامت انسانی خود دفاع کنند. البته هم زمان فعالان حقوق زن وظیفه دارند به نهادهای حکومتی فشار بیاورند تا آنها به یک درجه از تغییر در سیاست های کلان رضایت دهند و متقاعد شوند تا در قوانین کنونی با هدف کمک رسانی قانونی به زنان قربانی خشونت خانگی، تجدید نظر کنند.

اما تا آن زمان در قالب قوانین موجود، روند قانونی برای دادخواهی زنان قربانی خشونت خانگی باید پیموده شود. کوتاه و مختصر چگونگی کنترل خشونت خانگی در قالب قوانین کنونی که عجلالتاً "تنها امکانات در دسترس زنان ایرانی است، توصیه می شود:

1. راهی مراکز پلیس در نزدیک ترین محل مسکونی شوهر شوید. یا در هر مکان دیگری که خشونت اتفاق افتاده است.
2. به بی اعتنائی برخی افراد پلیس که درست آموزش ندیده و برای هم دردی با شما آمادگی ندارند، توجه نکنید. زود جا زنید و با آنها وارد مذاکره شده و بخواهید به پزشکی قانونی برای معاینه و گواهی و تعیین طول درمان، معرفی تان کنند. آنها مطابق قانون مکلف هستند اگر یک مضروب و مجروح مراجعه کرد و خواست از حمایت قانون بهره مند شود و موجبات مجازات ضارب را فراهم کند، صرف نظراز رابطه خویشاوندی ضارب و مضروب، به وظائف قانونی خود عمل کنند. حق ندارند با نصیحت و دلالت شما را برانند و شما از فرط نومیدی به خانه ای که می تواند قربانگاه شما باشد، دست خالی بازگردید.
3. داشته باشد. "شاکی خصوصی" در نظر داشته باشید که شکایت پیرامون خشونت در صورتی مورد رسیدگی قضائی قرار می گیرد که در جوامعی با شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران، شاکی خصوصی در پرونده های خشونت خانگی نباید مسیر شکایت را زود قطع کند و اسیر اندرزها و نصیحت ها شود.

4. اگر تا مرحله پزشکی قانونی پیش رفته و گواهی طول درمان گرفته اید، نباید تصور کنید کار تمام شده و شوهر یا برادریا پدر شما به که ضرب و خشونت علیه تان پایان می دهند. باید با گزارش پلیسی که مراجعه شما به پلیس را ثبت کرده و با گواهی پزشکی قانونی با شهود اعم از زن یا مرد، به مجتمع قضائی که به محل وقوع خشونت "جرح را تایید و طول درمان را تعیین کرده است، و احیانا نزدیک است مراجعه و شکایت خود را ثبت و مجازات شوهر را درخواست کنید.
5. دادگاه وقت رسیدگی تعیین می کند و مرد مرتکب خشونت را فرا می خواند تا پاسخ گو باشد.
6. زن باید در خانه "این مرحله حساس ترین مرحله است. چون شوهر متوجه شده که شما صبرتان تمام شده و سنت کهن را که می گوید پشت سر گذاشته اید و می خواهید حق خواهی کنید. این جاست که مرد نرم خو می شود و تصمیم "شوهر بسوزد و بسازد و دم نزند می گیرد شما را از پیگیری پرونده منصرف کند. او ممکن است یکی از این دو شیوه را برگزیند:

- به پای شما بیافتد. هدیه بدهد. احساساتی تان کند، ترحم شما را جلب کند و خدا را شاهد بگیرد که این آخرین بار بوده است. شما ترغیب می شوید که دنبال پرونده ای را که باز کرده اید نگیرید. یا می روید و شکایت را مسترد می کنید، یا آن را مسکوت می گذارید. در هر دو حال به خود زیان می رسانید.

- یا تهدیدتان می کند که مثلاً طلاق تان می دهد و بچه ها را از شما می گیرد و به روز سیاه می نشینید. اگر می خواهید از کرامت انسانی خود دفاع کنید، نترسید و پیگرد را ادامه دهید تا به صدور حکم نهائی بر ضد شوهر منجر شود.

- مهم نیست که این حکم چه اندازه شما را راضی می کند. مهم این است که مرد می فهمد شوخی ندارید و در صورت تکرار خشونت دیگر بار باید به دادگاه پاسخگو شود.

- در برخی پرونده ها در آخرین جلسه رسیدگی، قاضی از زن خشونت دیده می خواهد این بار شوهر را ببخشد و به خانه بازگردد. در صورتی این پیشنهاد را بپذیرید که در همان جلسه مرد در حضور قاضی تعهد کتبی و رسمی دهد که خشونت را تکرار نکند. آن وقت یک فتوکی برابر اصل شده از صورت جلسه اصلاحی دادگاه بگیرید و آن را در جای امن نگهداری کنید.

### این صورت جلسه دو خاصیت دارد:

1. اگر مرد در رفتار خود از ترس دادگاه و دادگاه کشی تجدید نظر کند که شما به مقصود رسیده اید.
2. اگر تکرار کند همان صورت جلسه اصلاحی که تعهد و امضای او ذیل آن است، برگ برنده ای است در دست شما؛ که بازهم او را به استناد آن به دادگاه بکشانید و به قاضی بقبولانید که مرد به توصیه قاضی و امضای خودش بی احترامی کرده است.

### نتیجه گیری

اگر شوهرتان را دوست دارید و می خواهید زندگی زناشویی تان ادامه داشته باشد، در برابر خشونت کوتاه نیائید. تا صدور حکم نهائی که معمولاً محکوم می شود به پرداخت مبلغی به شما از باب "دیه" پیش بروید یا به شرح بالا در حضور قاضی و ادارش کنید تعهد کتبی بدهد. بدین ترتیب است که می توانید خشونت را کنترل کنید و به زندگی زناشویی بی خشونت ادامه دهید.

اگر زیر بار نرود و رفتار خشونت آمیز را تکرار کند، ممکن است بخواهید به رابطه زناشویی پایان دهید، که در این صورت حکم دادگاه یا گزارش اصلاحی، مستندات و مدارک خوبی است که در سرعت وقوع طلاق و اخذ اجازه از دادگاه برای طلاق کمک تان می کند. گاهی زنان عاقبت اندیش چند فقره از این احکام نهائی شده و صورت جلسات اصلاحی را در اختیار دارند که برای طلاق حسب خواسته زن خیلی مفید است.

زنان قربانی خشونت نمی توانند در شرایطی که یا شکایت نمی کنند یا در نیمه راه کار را ناتمام می گذارند، انتظار داشته باشند دیگران برای رهائی آنها کاری بکنند.



photo by: Cristiana Gasparott

پژوهشگر- وکیل - مهری ملکوتی

بود و کیفرخواست صادره، مجازات سنگسار را "زناى محصنه" دادگاه تشکیل جلسه داد. پروین در جایگاه متهم قرار گرفت. اتهام او قرار می‌گیرد و هنگامی که ثابت می‌شود "حق الله" در مجموعه "زناى محصنه" پیشنهاد می‌کند. شوهر شاکی خصوصی بود، ولی جرم یکی از آنهاست برهاند. "سنگسار" که گفته می‌شود "حدود الهی" شود، حتی گذشت شاکی خصوصی نمی‌تواند، مرتکب را از مجازات تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد. "انسان" بنابراین در جلسات رسیدگی، نقش وکیل مدافع بسیار اهمیت دارد و مرگ و زندگی یک

پروین در مرحله تحقیقات به رابطه جنسی خارج از ازدواج اقرار کرده است. مرد هم جرم او هم در جلسه رسیدگی حضور دارد. ولی مرد هم ست و وصف احصان، شامل حال او نمی‌شود. در نهایت به مرگ محکوم نمی‌شود. چرا؟ چون مجرد "زنا" جرم فقط متهم به ارتکاب است و زن ندارد. وکیل او هم در جلسه حاضر است. هر دو مجرم به صورت ظاهر مرتکب یک نوع جرم شده اند که رابطه خارج از ازدواج است، ولی قانونگذار دو گونه مجازات برای هر یک تعیین کرده است. نظر به این که زن شوهر دارد و ظاهراً دسترسی به تمتع جنسی با همسر شرعی و قانونی خود داشته، مجازات مرگ انتظارش را می‌کشد. اما مرد با آن که مرتکب همان جرم شده، به سبب آن که همسری محکوم می‌شود که مجازات سنگینی است، ولی با مجازات مرگ که مشروع و قانونی در دسترس نداشته، حداکثر به یک صد ضربه شلاق زن هم جرم او ممکن است به آن محکوم بشود، تفاوت دارد. بدون شک مرد هم جرم ادعا خواهد کرد که خبر نداشته زن متاهل است. در هر حال از سنگسار نجات پیدا می‌کند، اما از حد زنا نمی‌تواند خود را نجات بدهد.

آیا وکیل مدافع زن، دستش خالی است؟ با وجود این همه سختگیری‌های قانونی، وکیل نمی‌تواند به موکل خود کمک کند و او را از مجازات مرگ برهاند؟ صحنه را زیر چشم دارم. وکیل مدافع زن با اعتماد به نفس وارد دفاع می‌شود. موکلش حتی در حضور قاضی در جلسه اقرار کرده. نه یک بار که چهاربار. بنابراین به نظر می‌رسد، از وکیل مدافع کاری بر نمی‌آید. پس چرا این اندازه اعتماد به نفس دارد؟

دفاع از زن شروع می‌شود. دست وکیل خالی نیست. پیداست مدت‌ها روی پرونده کار کرده و می‌داند چه می‌کند. او ابتدا به دادگاه گزارش می‌دهد که شوهر موکلش، همسر جوان و زیبایی دارد که از یک سال پیش او را صیغه کرده است.

شرع که نکرده است. حاضران در گوشه به هم می‌گویند: این که ربطی به پرونده حاضر ندارد. کار خلاف

وکیل ادامه می‌دهد: مرد به ندرت به خانه همسر دائم می‌آمده و فقط با بچه‌ها دیدار می‌کرده، اما شب آنها را ترک می‌کرده است. وکیل با معرفی شهود که همسایه‌ها و فرزندان زن هستند به قاضی توجه می‌دهد که برای زن با آن که شوهر داشته، دسترسی به تامین تمنیات جنسی به صورت مشروع میسر نبوده است.

خواستار می شود. "زنای محصنه" وکیل مدافع پس از ورود به مفاهیم فقهی و قانون مجازات اسلام در این باره، برائت موکل را از اتهام

ناقصی دارد و می گوید در هر حال او ناموس من دادگاه شوهر را فرا می خواند تا پاسخ بدهد. مرد از موازین فقهی و قانونی اطلاعات است و حق نداشته به علت این که من مدتی با او هم خوابگی نکرده ام، بی ناموسی کند و به غیرت مردانه من صدمه بزند.

به او چه مربوط که من زن دیگری گرفته ام. حکم "آبرویم پیش در و همسایه و اهل محل و همکارانم رفته است. باید سنگسار بشود. اصلا دین را اجرا کرده ام. خلاف که نکرده ام. وکیل شوهر دست و پای خود را گم می کند و متوجه می شود در موقعیت ضعف قرار گرفته می کند دفاعیات موکل خود را رفع و رجوع کند نمی تواند. است. تقلا

قاضی چند شاهد را که پشت در ایستاده اند فرا می خواند. شهادت می دهند که مرد گاهی به خانه سری می زده و غروب از زن و فرزندانش جدا می شده است. البته شوهر نفقه می داده و به بچه ها و خواسته های آنها رسیدگی می کرده، اما حضورش موقت بوده و زن همواره از او نزد همگان ابراز گله مندی می کرده است.

قاضی به تامل می نشیند و اظهارات شاکی را بالا و پائین می کند و شوهر را سوال پیچ. تا به صراحت در می یابد که شوهرمدتها پیش از وقوع رابطه جنسی خارج از زناشوئی، به همسرش نزدیک نمی شده است.

### نتیجه:

. سایه وحشتناک "زنا" تبرئه و اتهام او تبدیل می شود به "زنای محصنه" زن به لحاظ آن که امکان تمتع جنسی به صورت شرعی نداشته از مرگ به صورت سنگسار یا اعدام محو می شود و مجازات تبدیل می شود به یک صد ضربه شلاق.

اگر عادلانه داوری کنیم، زن اساسا نباید محکوم به مجازات می شد. چون شوهر با او هم خوابگی نمی کرده و او را درمشقت جنسی قرار داده بود. شوهر با استفاده از قانون و شرع، زن زیباتر و جوان تری را به صورت موقت عقد کرده وزن دائم او، یک چنین جوازی برای کام شاید در چنین شرایطی زن کاسه صبرش پر شده و به رابطه خارج از جوئی جنسی نداشته است. در عسرو حرج کامل به سر می برده است. ایجاد کرده است که به مرد انواع امکانات را برای کامیابی داده و همه را از "قانون" ازدواج تن داده است. در واقع انگیزه ارتکاب جرم را کار را تا سرحد کشتن او به دست قانون داده است. این زن دریغ کرده است. به جای آن به مردان جواز قتل ناموسی و شکایت از زن خلاف عدالت است؟

هم بخورد؟ معقل و عدالت شلاق راستی یک چنین انسان گرفتاری چرا باید علاوه بر زندگی مشقت باری که پشت سر دارد، یک صد ضربه را وسط بگذاریم. باید در تعریف عدالت، متناسب با زمانه ای که در آن زندگی می کنیم، تجدید نظر شود.

## در روز جهانی حقوق بشر بانکی مون خواستار تعهد کشورها به حقوق بشر شد



Africa Renewal عکس:

پژوهشگر وکیل و - مهری ملکوتی

اعلامیه جهانی حقوق بشر 66 ساله شد. سازمان ملل متحد از سال 1950 میلادی، دوسال پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال 1948، 10 دسامبر هر سال را روز جهانی حقوق بشر اعلام کرد. در این روز فعالان مدنی و حقوق بشری کارنامه کشور خود را در زمینه حقوق بشر بررسی کرده و در کشورهایی که آزادی بیان پذیرفته است، موارد ضعف را با دولت متبوع خود در میان می گذارند و به نهادهای مرتبط با موضوع مشاوره می دهند و با آنها همکاری می کنند تا وضعیت حقوق بشر در کشورشان بهبود یابد. تشکل ها و سازمان های مستقل مدنی در این روز نقش های مهمی پیرامون شرح کاستی ها ایفا می کنند.

مون دبیر سازمان ملل متحد که سالانه به این مناسبت بیانیه ای صادر می کند، امسال در پیام منتشر شده ای از دولت های جهان بانکی او همچنین از جهانیان خواست دولت های خود را "هر روز نسبت به حفظ حقوق بشر متعهد باشند و به آن احترام بگذارند." خواسته است "هدایت کنند. وی به صراحت از ضرورت امنیت برای فعالان حقوق بشر سخن گفت و تأیید کرد که "مسئولیت پذیری" به سمت و سوی "با شجاعت تمام به اهداف جمعی ما خدمت می کنند. فعالان حقوق بشر

که امروز جهانیان شصت و ششمین روز تولدش را جشن می "اعلامیه جهانی حقوق بشر" جوهره پیام مندرج دریک مقدمه و 30 ماده گیرند این است:

افراد بشر صرف نظر از نژاد و جنس و رنگ و عقیده و وجدان و تفاوت های طبقاتی و میزان اندوخته های مالی و گرایش های سیاسی، کشورها باید انعکاس پیدا کند. "قانونگذاری" حقوق بنیادی یکسانی دارند که مهمترین تجلی این حقوق در نظام

دولت ایران براین اعلامیه در زمان تصویب آن صحنه گذاشته و از 66 سال پیش تا کنون، با وجود تحولات سیاسی که تاریخ معاصر ایران شاهد آن بوده، اعلامیه را نفی نکرده است. بنابراین ضرورت پایبندی دولت ایران بر ارج نهادن به پیام مندرج در اعلامیه، روشن است و در آن تردیدی نیست.

از آن رو به 66 سالگی اعلامیه جهانی حقوق بشر ارج می نهند که پیام مندرج در یک یک مواد سی گانه آن "خانه امن" کارشناسان فعال می یابند. هر یک از دولت هائی که بر اعلامیه صحنه نهاده، (دولت ایران از جمله آنهاست)، از "مرد" و "زن" را مبتنی بر برابری حقوقی لحاظ حقوق بین الملل متعهد است با رفع تبعیض های جنسیتی از نظام قانونی کشور، موجبات تحقق برابری زن و مرد و کنترل خشونت خانگی بر علیه زنان را فراهم کند.

**میثاق حقوق اقتصادی و فرهنگی و "و" میثاق حقوق مدنی و سیاسی" دولت ایران در سال 1354 شمسی دو میثاق بسیار مهم دو میثاق برای مواد مهمی از اعلامیه جهانی حقوق بشر ضمانت های اجرایی ایجاد را در پارلمان وقت امضا کرده است. "اجتماعی کرده و همه دولت هائی که دو میثاق را امضاء کرده اند، اجرای مفاد دو میثاق را در قانونگذاری و طرح سیاست های کلان سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و مدنی خود، تضمین نموده اند. تخلف از این تعهدات، تخلف از تعهدات بین المللی به شمار می رود که کمترین زیان آن، خدشه دار شدن آبرو، اعتبار و حیثیت ملی است. به خصوص که ماده 9 قانون مدنی ایران، مفاد آن دسته از قراردادهای بین المللی را که پارلمان های ایران از تصویب گذرانده اند، همچون قانون لازم الاجرا به رسمیت شناخته است.**

مروری بر برخی مواد اعلامیه و نقل فزای هائی از آن که به طور خاص در ارتباط با رفع تبعیض و خشونت از زنان است:

## ماده اول

"... تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می باشند"

بنابراین هر گونه نابرابری از لحاظ حیثیت و حقوق که زنان ایرانی را در بر می گیرد، با مفاد این ماده در تضاد است.

## ماده دوم

از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین "هرکس می تواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً" ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هائی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد..."

بنابراین زنان ایرانی در هر مورد که حقوق و آزادی های مندرج در این اعلامیه از آن ها به هر صورت سلب شده باشد، می توانند رفع محرومیت ها را مطالبه کنند.

## ماده پنجم

"احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد."

بنابراین انواع خشونت خانگی بر علیه زنان با این اعلامیه در تضاد است و باید کنترل شود.

### ماده هفتم

همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور...“  
”تساوی از حمایت قانون بهره مند شوند

بنابراین زنان ایرانی با استناد به این ماده حق دارند در مورد تبعیض های قانونی و فرهنگی به مرجع صالحه قضائی مراجعه و دادخواهی کنند. در حال حاضر که چنین مرجعی در قانون اساسی ایران پیش بینی نشده است، می توانند برای متقاعد کردن حاکمیت به تاسیس آن با مدیران طراز اول حکومت به مذاکره بنشینند.

### ماده سیزدهم

(1) هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

” (2) هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

بنابراین قوانین داخلی ایران که اقامتگاه زن را همان اقامتگاه شوهر اعلام می کند و خروج زن شوهردار از کشور را موکول به رضایت نامه کتبی و رسمی شوهر می کند، برخلاف ماده سیزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر است و خشونت خانگی بر ضد زنان را تشدید می کند.

### ماده شانزدهم

(1) هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه ممنوعیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشوئی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشوئی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی می باشند.

(2) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

“ (3) خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.

بنابراین هر آن چه در قوانین ناظر بر خانواده در ایران خلاف این سه حق است نمی تواند کرامت انسانی زنان ایرانی را پاسداری کند و زنان ایرانی حق دارند رفع کاستی های قانونی و فرهنگی و اجرائی را متناسب با این ماده از اعلامیه که اعضای سازمان ملل متحد نسبت به آن متعهد هستند، خواستار شوند. تا رفع این کاستی ها در قوانین داخلی و اصلاح شیوه های اجرائی، زنان در معرض تهدید جسمی، روانی، عاطفی، مالی و در مجموع خشونت خانگی در محیط خانواده به سر می برند.

### ماده بیست و یکم

و خواه با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت ” (1) هرکس حق دارد در اداره عمومی کشور خود، خواه مستقیماً جویید.

(2) هرکس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نائل آید.

... (3)

بنابراین زنان ایرانی هرگاه بتوانند با استناد به این حق وارد حوزه های زمامداری و تصمیم گیری های مرتبط با سیاست های کلان شوند، با حساسیتی که نسبت به خشونت خانگی دارند، از نفوذ و نقش و قدرت سیاسی خود برای مهار خشونت خانگی بر ضد زنان و کودکان، استفاده می کنند و مهار خشونت میسر می شود.

### ماده بیست و پنجم

... (1)

(2) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

بنابراین هر آن چه بر کودکان ایرانی روا داشته می شود بر خلاف مفاد این سند مهم بین المللی است که ایران صحت آن را تایید کرده است.

## جمع بندی:

زنان ایرانی لازم است سطح آگاهی خود را در زمینه فرصت ها و امکانات بین المللی دستکم در حدودی که اسناد امضاء شده توسط ایران به آن دلالت دارد افزایش داده و از این حقوق در محافل داخلی و خارجی بیشتر سخن گویند. طبیعی است که استمرار و حرکت های مسالمت آمیز و گشودن باب مذاکره با نهادها و مدیران بلند مرتبه حکومتی بهترین شیوه برای طرح مطالبات و خشونت زدائی از مناسبات خانوادگی است.

## روز جهانی حقوق بشر بر زنان ایرانی گرامی باد.

نظر به این که تک تک مواد 30 گانه اعلامیه جهانی حقوق بشر بر مبنای برابری ابناء بشر تدوین و تصویب شده است و به منظور جلب توجه زنان ایرانی به این سند مهم بین المللی که امروز تولد 65 سالگی آن را جشن می گیریم، اعلامیه عینا در این جا نقل می شود تا زنان ایرانی از تاکید سازمان ملل متحد بر حقوق برابر زن و مرد بیش از پیش با خبر شده و با اعتماد به نفس بیشتری، تبعیض و خشونت بر ضد خود را به چالش بکشند.

## متن اعلامیه:

### ماده 1

تمام ابناء بشر آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند. عقلانیت و وجدان به آنها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر برادرانه رفتار کنند.

### ماده 2

همه انسانها بی هیچ تمایزی از هر سان که باشند، اعم از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه تولد یا در هر جایگاهی که باشند، سزاوار تمامی حقوق و آزادیهای مصرح در این [محل] دارایی، [وضعیت] اجتماعی و ملی، المللی مملکت یا سرزمینی که فرد به آناند. به علاوه، میان انسان ها بر اساس جایگاه سیاسی، قلمرو قضایی و وضعیت بین «اعلامیه» متعلق است، فارغ از اینکه سرزمین وی مستقل، تحت قیمومت، غیرخود مختار یا تحت هرگونه محدودیت در حق حاکمیت خود باشد، هیچ تمایزی وجود ندارد.

### ماده 3

هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است.

### ماده 4

هیچ احدی نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشته شود: بردگی و داد و ستد بردگان از هر نوع و به هر شکلی باید باز داشته شده و ممنوع شود.

### ماده 5

هیچ کس نمی بایست مورد شکنجه یا بی رحمی و آزار، یا تحت مجازات غیرانسانی و یا رفتاری قرارگیرد که منجر به تنزل مقام انسانی وی گردد.

### ماده 6

هر انسانی سزاوار و محق است تا همه جا در برابر قانون به عنوان یک شخص به رسمیت شناخته شود.

### ماده 7

همه در برابر قانون برابرند و همگان سزاوار آن اند تا بدون هیچ تبعیضی به طور برابر در پناه قانون باشند. همه انسان ها محق به پاسداری و است. همه باید در برابر هر گونه عمل تحریک آمیزی که منجر به چنین «اعلامیه» حمایت در برابر هرگونه تبعیض که ناقض این تبعیضاتی شود، حفظ شوند.



## ماده ۸

هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی مؤثر به مراجع دادرسی از طریق محاکم ذیصلاح ملی در برابر نقض حقوق اولیه ای است که قوانین اساسی یا قوانین عادی برای او برشمرده و به او ارزانی داشته اند.

## ماده ۹

هیچ احدی نباید مورد توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه قرار گیرد.

## ماده ۱۰

هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند.

## ماده ۱۱

هر شخصی متهم به جرمی کیفری، سزاوار و محق است تا زمان احراز و اثبات جرم در برابر قانون، در محکمه ای علنی که تمامی ۱. حقوق وی در دفاع از خویشتن تضمین شده باشد، بی گناه تلقی شود.

۲. المللی، در زمان وقوع آن، حاوی جرمی هیچ احدی به حسب ارتکاب هرگونه عمل یا ترک عملی که مطابق قوانین مملکتی یا بین المللی، قابل [در قانون] کیفری نباشد، نمی بایست مجرم محسوب گردد. همچنین نمی بایست مجازاتی شدیدتر از آنچه که در زمان وقوع جرم اعمال بود، بر فرد تحمیل گردد.

## ماده ۲۱

خودسرانه قرار گیرد. [و مزاحمت] هیچ احدی نمی بایست در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله به همین سیاق شرافت و آبروی هیچکس نباید مورد تعرض قرار گیرد. هر کسی سزاوار و محق به حفاظت قضایی و قانونی در برابر چنین مداخلات و تعرضاتی است.

## ماده ۳۱

۱. درون [در هر نقطه ای] و اقامت در [حرکت از نقطه ای به نقطه ای دیگر] هر انسانی سزاوار و محق به داشتن آزادی جابه جایی است. مرزهای مملکت است.

۲. هر انسانی محق به ترک هر کشوری، از جمله کشور خود، و بازگشت به کشور خویش است.

## ماده ۴۱

هر انسانی سزاوار و محق به پناهجویی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای پناه دهنده در برابر پیگرد قضایی است. ۱.

۲. «ملل» چنین حقی در مواردی که پیگرد قضایی منشأیی غیرسیاسی داشته باشد و یا نتیجه ارتکاب عملی مغایر با اهداف و اصول باشد، ممکن است مورد استناد قرار نگیرد. «متحد

## ماده ۵۱

۱. است. [ملیتی] هر انسانی سزاوار و محق به داشتن تابعیتی.

۲. را از وی دریغ نمود. [ملیت] خویش محروم کرد، و یا حق تغییر تابعیت [ملیت] هیچ احدی را نمی بایست خودسرانه از تابعیت.

## ماده ۶۱

۱. مردان و زنان بالغ، بدون هیچ گونه محدودیتی به حیث نژاد، ملیت، یا دین حق دارند که با یکدیگر زناشویی کنند و خانواده ای بنیان نهند. همه سزاوار و محق به داشتن حقوقی برابر در زمان عقد زناشویی، در طول زمان زندگی مشترک و هنگام فسخ آن هستند.

عقد ازدواج نمی بایست صورت بندد مگر تنها با آزادی و رضایت کامل همسران که خواهان ازدواجند. 2.

نگاهداری شود. «حکومت» خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است تا به وسیله جامعه و 3.

#### ۷۱ ماده

هر انسانی به تنهایی یا با شراکت با دیگران حق مالکیت دارد. 1.

هیچ کس را نمی بایست خودسرانه از حق مالکیت خویش محروم کرد. 2.

#### ۸۱ ماده

و] ، و آزادی علنی [دین] هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است؛ این حق شامل آزادی دگراندیشی، تغییر مذهب کردن آئین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و [آشکار دیده بانی آن در محیط عمومی و یا خصوصی است.

#### ۹۱ ماده

، و [و مزاحمت] از مداخله [نگرانی] هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده ای بدون حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه ای بدون ملاحظات مرزی است.

#### ۰۲ ماده

هر انسانی محق به آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن های مسالمت آمیز است. 1.

هیچ کس نمی بایست مجبور به شرکت در هیچ انجمنی شود. 2.

#### ۱۲ ماده

هر شخصی حق دارد که در مدیریت دولت کشور خود، مستقیماً یا به واسطه انتخاب آزادانه نمایندگان شرکت جوید. 1.

هر شخصی حق دسترسی برابر به خدمات عمومی در کشور خویش را دارد. 2.

اراده مردم می بایست اساس حاکمیت دولت باشد؛ چنین اراده ای می بایست در انتخاباتی حقیقی و ادواری اعمال گردد که مطابق 3. حق رأی عمومی باشد که حقی جهانی و برابر برای همه است. رأی گیری از افراد می بایست به صورت مخفی یا به طریقه ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند.

#### ۲۲ ماده

هر کسی به عنوان عضوی از جامعه حق دارد از امنیت اجتماعی برخوردار بوده و از راه کوشش در سطح ملی و هم یاری بین المللی با سازماندهی منابع هر مملکت، حقوق سلب ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را برای حفظ حیثیت و رشد آزادانه شخصیت خویش، به دست آورد.

#### ۳۲ ماده

هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب کند، شرایط کاری منصفانه مورد رضایت خویش را دارا 1. باشد و سزاوار حمایت در برابر بیکاری است.

هر انسانی سزاوار است تا بدون رواداشت هیچ تبعیضی برای کار برابر، مزد برابر دریافت نماید. 2.

هر کسی که کار می کند سزاوار دریافت پاداشی منصفانه و مطلوب برای تأمین خویش و خانواده خویش موافق با حیثیت و کرامت 3. انسانی بوده و نیز می بایست در صورت نیاز از پشتیبانی های اجتماعی تکمیلی برخوردار گردد.

هر شخصی حق دارد که برای حفاظت از منافع خود اتحادیه صنفی تشکیل دهد و یا به اتحادیه های صنفی بپیوندد. 4.

## ماده ۴۲

هر انسانی سزاوار استراحت و اوقات فراغت، زمان محدود و قابل قبولی برای کار و مرخصی‌های دوره‌ای همراه با حقوق است.

## ماده ۵۲

هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوه‌گی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد.

دوره مادری و دوره کودکی سزاوار توجه و مراقبت ویژه است. همه کودکان، اعم از آن‌که با پیوند زناشویی یا خارج از پیوند زناشویی به دنیا بیایند، می‌بایست از حمایت اجتماعی یکسان برخوردار شوند.

## ماده ۶۲

آموزش و پرورش حق همگان است. آموزش و پرورش می‌بایست، دست کم در دوره‌های ابتدایی و پایه، رایگان در اختیار همگان قرار گیرد. آموزش ابتدایی می‌بایست اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای نیز می‌بایست قابل دسترس برای همه مردم بوده و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر پایه شایستگی‌های فردی صورت پذیرد.

آموزش و پرورش می‌بایست در جهت رشد همه‌جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش دوستی میان تمامی ملت‌ها و گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به برنامه‌های [تسامح] و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری در راه حفظ صلح یاری رساند. «ملل متحد»

پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود برتری دارند.

## ماده ۷۲

هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع خویش همکاری کند، از گونه‌های مختلف هنرها برخوردار گردد و در پیشرفت علمی سهم گشته و از منافع آن بهره‌مند شود.

هر شخصی به عنوان آفرینش‌گر، حق حفاظت از منافع مادی و معنوی حاصل از تولیدات علمی، ادبی یا هنری خویش را داراست.

## ماده ۸۲

به تمامی تأمین و اجرائی «اعلامیه» المللی است که در آن حقوق و آزادی‌های مطرح در این هر شخصی سزاوار نظم اجتماعی و بین‌گردد.

## ماده ۹۲

هر فردی در برابر جامعه اش که تنها در آن رشد آزادانه و همه‌جانبه او میسر می‌گردد، مسئول است.

در تحقق آزادی و حقوق فردی، هر کس می‌بایست تنها زیر محدودیت‌هایی قرار گیرد که به واسطه قانون فقط به قصد امنیت در اخلاقی، نظم عمومی و رفاه جهت بازشناسی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران وضع شده است تا اینکه پیش شرط‌های عادلانه همگانی در یک جامعه مردم‌سالار تأمین گردد.

اعمال شوند. «ملل متحد» این حقوق و آزادی‌ها شایسته نیست تا در هیچ موردی خلاف با هدف‌ها و اصول.

## ماده ۰۳

، گروه یا فردی متضمن حقی برای انجام عملی به «حکومت» هیچ چیز نباید به گونه‌ای برداشت شود که برای هیچ «اعلامیه» در این باشد. «اعلامیه» قصد از میان بردن حقوق و آزادی‌های مندرج در این

## بررسی اصول قانون اساسی از حیث کنترل خشونت خانگی



عکس: باشگاه خبرنگاران

وکیل و پژوهشگر - مهری ملکوتی

قانون اساسی ایران دارای یک مقدمه و ۱۷۵ اصل است که در ۴۱ فصل گنجانده شده و در سال ۱۳۶۱ آخرین اصلاحات در آن صورت گرفته است. مقدمه مواضع ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران را مشخص می کند و اصول بر چگونگی شکل گیری نهادهای زن در قانون "حکومتی، مناسبات نهادها با یکدیگر و مناسبات مردم با آنها و مردم با مردم دلالت دارد. در مقدمه قانون اساسی زیر عنوان نگاه قانون گذار نسبت به زن حمایت کننده است و به رشد او از حیث پاسداری از مکتب اسلام و تربیت فرزندان مکتبی و وفادار "اساسی به حکومت بسیار اهمیت داده است. طبیعی است که با استناد به این بخش از مقدمه و سایر بخش ها، می توان بر رفع خشونت خانگی و از بین بردن عوامل آن پافشاری کرد.

اصول قانون اساسی مستقیم و غیر مستقیم بر رشد زن، سلامت روح و جسم زن، مقام مادری زن، و به خصوص مراعات اخلاق در خانواده تا چه استخراج می شود. با این هدف که تعیین کنیم شده، پیش بینی تاکید دارد. به صورت خلاصه فرصت هائی که در این اصول اندازه می توانیم به اصولی از قانون اساسی به قصد کنترل خشونت خانگی استناد کنیم و دولت را از این حیث پاسخ گو خواهیم. طرح این وکلای مدافع ایرانی در صورتی که وکالت زنان را در پرونده های خشونت خانگی پرسش در این بررسی بسیار جدی است که ببینیم کدام مفاهیم قانونی مندرج به بپذیرند، کدام فرصت ها را قانون اساسی در اختیارشان می گذارد و در مدافعات خود از زنان خشونت دیده دفاع کنند. تکیه کرده و به صورت قانونی از قربانیان خشونت خانگی در دادگاه صالحه در قانون اساسی می توانند

### نفی سلطه گری مرد و سلطه پذیری زن

، بر حکومت حق و عدل و قرآن ، استقرار یافته. طبیعی است حکومت حق و عدل و قرآن ، با خشونت خانگی در تعارض است اصل اول و ترویج آن را ناپسند می داند.

، بند ۶ بندهای الف و ب و ج به صورت غیر مستقیم دارای ظرفیت مثبت برای کنترل خشونت خانگی است . به خصوص اصل دوم ، به این مفهوم است که هم ستم گری محکوم شده ، هم " نفی هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری " تاکید بند ج بر به باید بر پایه ی این اصل که الهام گرفته از تعالیم اسلامی است ستم پذیری . بنابراین مردی که در خانه نسبت به زنان خشونت می ورزد پایان بدهد . زنانی هم که خشونت خانگی را با سکوت می پذیرند از نگاه این اصل قانون اساسی قابل ستایش رفتار غیر اسلامی خود زنان توصیه نشده است. در این اصل جنسیت نیستند و قانون اساسی از شهروندان خواسته است سلطه پذیر نباشند. بنابراین سلطه پذیری به مطرح نیست و بنابراین قابل تسری به همه شهروندان زن و مرد ایرانی است و جانب عدالت در آن مراعات شده است .

ایجاد محیط " ، بندهای ۱ و ۲ و ۹ و ۱۰ و ۲۱ و ۴۱ برای کنترل خشونت خانگی دارای ظرفیت است . در بندهای ۱ و ۲ و ۳ اصل سوم را سفارش می کند و " بالا بردن سطح آگاهی های عمومی با استفاده از مطبوعات و رسانه ها " و " مساعد برای رشد فضائل اخلاقی همه "تامین حقوق" را دستور می دهد. بند ۴۱ این اصل صراحت دارد به " آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه " همچنین زنان جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون . بنابراین تامین حقوق همه جانبه ایجاد می کند که خشونت بر ضد زنان در خانه از را در برمی گیرد . لذا بدون ایجاد امنیت در محیط خانه ممکن نیست و بی تردید آن

سوی نهادهای پلیسی و قضائی و مددکاری و شبکه های مرتبط با خانه های امن و اورژانس ها و پزشکان و روانپزشکان ، به صورت قانون اساسی از حکومت اسلامی است . فعالان حقوق زن و وکلای سازمان یافته و بی وقفه کنترل بشود . این خواست صریح و نامشروط مدافع با استناد به این بند می توانند از نهادهای جمهوری اسلامی مجوز لازم برای آرایش نیروهای مدنی و داوطلب را در خواست کنند و وکلای مدافع می توانند در تئوری و عمل با آنها وارد همکاری های قانونی متناسب با قانون اساسی بشوند .

دیگر بندهای این اصل به صورت غیر مستقیم همین خواست را تبیین می کند که قابلیت اجرایی دارد .

بنابراین خشونت خانگی مصداق رفتاری است " دعوت به خیر ، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی " ، اصل هشتم است و به قربانی صدمه می زند و لذا همگان در جمهوری اسلامی تکلیف دارند مردی را که نسبت به زنان خانه به هر شکل " منکر " که خشونت می ورزد ، امر به معروف کرده و زیان های رفتار ناپسند او را یادآور بشوند . همچنین حکومت به کمک بازوهای پلیسی و قضائی و مدد کاری و بر پایه ی قوانین لازم الاجرا موظف است از خشونت خانگی پیشگیری و با آن برخورد کند .

پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه " ، تاکید دارد بر این که قوانین و مقررات باید در جهت اصل دهم بنابراین قانون اساسی بر ضرورت قانونگذاری با هدف حفظ و حراست از مناسبات خانوادگی بر پایه " حقوق و اخلاق اسلامی باشد . متناسب برخی قوانین کنونی اخلاق اسلامی دستور داده و حقوقدانان می توانند با استناد به این فرازهای قانون اساسی ، خواستار اصلاح زناشویی به جسم و جان زنان در محیط خانوادگی و در زندگی که از حمایت با اصل دهم بشوند . آن چه مسلم است مقامات و مدیرانی " حفظ مبانی اخلاق اسلامی "بهبانه اسلام گرائی خودداری می کنند به خطا می روند . چگونگی باور کردنی است که سفارش قانون اساسی بر بی گمان باید در تفاسیر خود تجدید نظر کنند . در مناسبات خانوادگی ، به مفهوم رواداری خشونت در خانواده تفسیر بشود ؟

### تاکید بر حقوق مردم فارغ از جنسیت

می پردازد ، بر حفظ حقوق آحاد مردم صرف نظر از جنسیت تاکید دارد . "حقوق مردم" اصول ۹۱ و ۰۲ و ۱۲ و ۲۲ از فصل سوم که به اصل ۱۲ کاملاً بر مراعات حقوق خاصی برای رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی زن پرداخته . واضح است که اگر خشونت خانگی مهار نشود ، این دستورات قانون اساسی بلا اجرا می ماند . با وجود بالا رفتن نرخ خشونت خانگی ، احیای حقوق مادی و معنوی زنان غیر ممکن است . بنابراین اصل ۱۲ واجد ارزش و اعتبار اجرایی برای همه کسانی است که مبارزه با خشونت های خانگی را انتخاب کرده اند .

اصل ۸۲ و ۹۲ و ۰۳ و ۱۳ و ۴۳ و ۵۳ و ۶۳ و ۷۳ و ۰۴ و ۲۴ از فصل سوم به صورت غیر مستقیم برای کنترل خشونت خانگی سودمند و قابل حق طرفین " است تاکید می کند و دومی بر " حق مسلم هر فرد " که " حق دادخواهی " استناد است . دو اصل ۴۳ و ۵۳ که اولی بر ، هر دو به زنان قربانی یاری می رساند تا : " دعوا بر استفاده از وکیل دعاوی

کنند و ثانیاً از نیروی دفاع یک وکیل "دادخواهی" اولاً هنگامی که مورد خشونت خانگی قرار می گیرند در مراجع صالحه قضائی دادگستری برای احقاق حق استفاده کنند . در صورتی که پول برای پرداختن به وکیل را ندارند می توانند به کانون وکلای دادگستری مراجعه و از آن کانون تقاضای وکیل معاضدتی کنند . در این صورت بهتر می توانند از خود دفاع کنند و موجبات تغییر رفتار مرد را در محیط خانه فراهم سازند .

### تاکید بر رفاه مردم و محرومیت زدائی فارغ از جنسیت

در فصل چهارم قانون اساسی هم دو اصل ۳۴ و ۶۴ به کنترل خشونت خانگی به صورت مستقیم و غیر مستقیم می تواند یاری برساند .

ریشه کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیاز های انسان در جریان رشد ، با حفظ آزادی او قانون اساسی استوار است بر : اصل ۳۴ ، تامین نیازهای اساسی ، مسکن ، خوراک ، پوشاک و بهداشت ، درمان و آموزش و پرورش و امکانات تشکیل خانواده برای همه .

۳۴ به شرحی است که گذشت . رفاه بدون برخورداری از امنیت مفهومی ندارد . لذا اصل ۳۴ رفاه برای عموم مهمترین خواست اصل مستقیماً با ادامه خشونت خانگی در تضاد قرار می گیرد . بنابراین زن در جای انسان کامل که باید نیاز ها ، آزادی ، و در مجموع کرامت انسانی اش محترم داشته بشود نباید خشونت خانگی بر حق شناخته شده ی او از رفاه و امنیت خدشه وارد کند .

در تکمیل این اصل ، اصل ۶۴ نیز مالکیت نسبت به کسب و کار را برای عموم به رسمیت شناخته که این نیز در جهت رشد همه جانبه و خشونت زدائی از آنان قابل استناد است . زنان

" حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه ی حدود الهی " اصل ۱۶ از فصل پنجم تاکید دارد بر

مواردی که در این اصل گنجانده شده صریح و روشن می تواند در جهت کنترل خشونت خانگی که یک بی عدالتی آشکار بر ضد زنان

باید از باب حفظ شالوده خانواده خشونت پذیر است، به کار گرفته بشود. مراجع قضائی با وجود این اصل نمی توانند به این بهانه که زن باشد، دعاوی زنان قربانی را معطل گذاشته و آنها را فقط نصیحت کنند تا از شکایت خود بگذرند و رضایت بدهند. دادگاه ها با وجود قانون دارند دعاوی زنان خشونت دیده و دفاعیات وکلای آنها را جدی بگیرند. گسترش عدالت موضوع اصل ۱۶ این اصل وظیفه دست یافتنی نیست. بدون اجرائی کردن این اصول در دعاوی که زنان قربانی خشونت خانگی در مراجع قضائی طرح می کنند، اساسی

### فرصت های قانونی زنان خشونت دیده در مقام اعتراض به عملکرد نهادها

بسیار سودمند است. این اصل با صراحت تاکید دارد بر برای کنترل خشونت خانگی بر ضد زنان قانون اساسی اصل ۰۹ در فصل ششم داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی هرکس شکایتی از مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه " این که " عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند.

در محاکم دادگستری مطابق قانون رسیدگی نشود، می توانند به به این ترتیب زنان قربانی خشونت خانگی در ایران چنانچه به دعاوی آنها موجب اصل ۰۹ به مجلس شکایت کنند. این نیز فرصتی است که وکلای مدافع می توانند موکل خود را در صورت لزوم با آن آشنا کنند.

فرصت ها و امکانات مندرج در قانون اساسی بیش از مواردی است که در بالا به آن اشاره شد.

### : برای مثال

وظائف قوه مجریه از حیث اختصاص بودجه به رفع معضلات عمده اجتماعی غیر قابل تردید است. خشونت خانگی یکی از مصادیق معضلات اجتماعی است که در کشور تناقض ها و تضادها را تشدید می کند و قوه مجریه می تواند با اختصاص بودجه کافی با هدف مهار آن به وظیفه عمل کند. این قوه با تقویت بخش هایی از وزارت بهداشت و آموزش و پرورش و با ایجاد یک وزارت برای امور زنان و همچنین تدوین لوایح لازم با هدف کنترل خشونت خانگی و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی، می تواند گام هائی در جهت رفاه و زنان خانه دار که در چهارچوب اخلاق اسلامی قابل قبول است بردارد. آسیب امنیت خانگی زنان و به خصوص تامین اجتماعی برای پذیری زنان که گاهی به فحشا منجر می شود، ریشه در خشونت خانگی دارد که اگر به دستورات قانون اساسی در زمینه تامین اجتماعی زنان خانه دار به درستی عمل بشود، خطرات آن کاهش می یابد. وزارت کشور نیز با هدف کنترل خشونت خانگی چنانچه تسهیلات لازم تشکل های مستقل و مدنی زنان با اساسنامه ای مبتنی بر کمک رسانی به کنترل خشونت برای صدور مجوز های لازم برای ثبت قانونی خانگی ایجاد کند، گامی بلند در جهت کنترل خشونت خانگی برداشته می شود. نیروی انتظامی به یاری برنامه های آموزشی و به روز مثبت بازسازی نهادهای کمک رسانی نیرو به خانواده های گرفتار، یک عامل شدن وظائف و مسئولیت ها در برابر مردم و در صورت است که برای کنترل خشونت خانگی باید توسط قوه مجریه تجهیز و مهیا بشود.

وظائف قوه مقننه از حیث قانونگذاری با هدف کنترل خشونت خانگی و اصلاح قوانین زیان باری که با مبانی اخلاق اسلامی در مناسبات خانوادگی در تضاد است، واجد اهمیت است. مکانیسم قانونگذاری در قانون اساسی، امکانات خوبی از حیث تصویب قوانین خاص برای کنترل خشونت خانگی در اختیار می گذارد.

وظائف قوه قضائیه از حیث کنترل خشونت خانگی بسیار اهمیت دارد. رسیدگی به دعاوی زنان قربانی خشونت و نظارت بر بازسازی مردان خشونت ورز و مجازات آنها شمه ای از این وظائف است. همچنین تدوین لوایح قضائی متناسب با کنترل خشونت و تقدیم آن به مجلس از جمله فرصت های قانونی است که این قوه از آن برخوردار است.

توجه داده شد که وکلای مدافع می توانند از آن برای احقاق حقوق زنان قربانی خشونت در این مختصر به موارد روشنی از قانون اساسی خانگی استفاده کنند و ضمن مشاوره در فضای مجازی، این موارد را به آنها بیاموزند تا زنان بتوانند در نهادهای حکومتی با استناد به این اصول حق خواهی کنند. از آن گذشته وقتی مسئولین با یک قربانی آگاه به حقوق قانونی خود رو به رو بشوند، برخوردشان با این قربانی که به زبان قانون سخن می گوید، متفاوت و مودبانه خواهد بود و احساس می کنند این قربانی آگاه می تواند از حق خود دفاع کند و در صورتی که نسبت به خواسته ی قانونی او بی اعتنائی کنند، در مراجع قانونی دیگری ممکن است طرح شکایت کند.

در همه حال اگر قربانی خشونت خانگی از حقوق قانونی خود آگاه بشود، حتا این احتمال وجود دارد که مرتکب خشونت در رفتار خود در برابر این انسان آگاه که مجهز به دانش حقوقی در حدود مناسبات خانوادگی است، تجدید نظر کند.

### فرصت های قانونی که رهبر برای کنترل خشونت خانگی در اختیار دارد

اصل ۰۱۱ قانون اساسی که به وظائف رهبر می پردازد، در بند ۱ به صورت غیر مستقیم از حیث کنترل انواع خشونت ها بر ضد شهروندان واجد اهمیت و قابل تفسیر به سود کنترل خشونت خانگی است. هر چند اصل ۸۹ قانون اساسی تفسیر قانون اساسی را منحصر در اختیار گذاشته ( برای شناخت این نهاد و نقش و تاثیر آن در امور کشور نگاه کنید به اصول ۱۹ و ۲۹ و ۳۹ و " شورای نگهبان " نهادی به نام ۴۹ و ۵۹ و ۶۹ و ۷۹ و ۸۹ و ۹۹ قانون اساسی )، ولی بند ۱ از اصل ۰۱۱ قابلیت این را دارد که از نگاه افراد و گروه هائی که در زمینه

های کنترل بی عدالتی، تبعیض گرایی و خشونت ورزی، فعال اند یا نسبت به آن حساست نشان می دهند، مورد بحث و تجزیه تحلیل قرار بگیرد.

اختصاص دارد، چنین است: "وظائف و اختیارات رهبر" بند ۱ اصل ۱۱۱ که نخستین بند از ۱۱ بند آن است و عموماً به

"تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام - ۱"

سیاسی جمهوری اسلامی ایران عالی ترین مقام رسمی کشور است که حتا در اصل ۷۵ - در نظام حقوقی "رهبر" لازم به توضیح است که او این گونه تاکید شده است: "قدرت مطلقه" قانون اساسی بر

امامت قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و قوه مجریه و قوه مقننه، : قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از - اصل ۷۵ "امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

مجمع تشخیص مصلحت نظام نهادی است که بند ۱ اصل ۱۱۱ رهبر را به مشورت با آن نهاد برای تعیین سیاست های کلی نظام موظف ساخته است. این نهاد را اصل ۲۱۱ تعریف کرده است.

بسیار اهمیت دارد این است که در هر نظام سیاسی، سیاست های "خانه امن" گردانندگان از نگاه اما آن چه در تفسیر بند ۱ اصل ۱۱۱ کلی با نیازهای جامعه و متناسب با روند تحولات اجتماعی تعیین می شود. واضح است که با وجود تاکید مقدمه و اصول قانون اساسی لازم است جمهوری اسلامی بر عدالت، تقوی، عتوفت و احیای حقوق انسانی زنان، کنترل خشونت خانگی یک هدف اساسی است و در سیاست های کلان وارد شده و شیوه های کنترل از حیث مالی و پلیسی و قضائی و مددکاری و مالی در یک چارچوب منسجم تعریف نیز "نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام" بشود و صورت اجرایی پیدا کند. خوشبختانه بند ۲ از اصل ۱۱۱ نیز افزوده است که با اتکا به این فرصت های قانونی است که باب بحث را در "خانه امن" از جمله وظائف و اختیارات رهبر است. بنابراین گردانندگان فضای مجازی گشوده اند و امید وارند این فرصت ها با هدف کنترل خشونت خانگی که یکی از مسائل مهم امروز ایران است، اجرایی بشود و در دستور کار عالی ترین مقام سیاسی کشور و در فهرست سیاست های کلان گنجانده بشود. این امید دست یافتنی است و تکیه مهمترین صفتی است که قانون "عدالت و تقوی" گاهش اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. به خصوص که می دانیم بند ۲ اصل ۹۰۱ برای فردی که مقام رهبری را احراز می کند در نظر گرفته است. طبیعی است که یک انسان عدالت اساسی به موجب ما و دیگران است که ایشان را نسبت به پیشه و با تقوی، کنترل خشونت خانگی را وارد سیاست های کلان می کند. البته این به عهده آمار رو به تزاید آن و همچنین نسبت به غفلت مسئولان در خصوص آن و نبود امکانات مالی و اداری برای شبکه سازی با هدف کنترل آن گام بر می دارند. "خانه امن" آشنا کنند. در این راه گردانندگان

## موانع جدی در برابر کنترل خشونت خانگی

### در مکانیسم قانونگذاری کشور گنجانده شده است

به موجب اصل ۴ و اصل ۲۷ و چند اصل دیگر قانون اساسی، قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی نباید در تعارض با احکام شرع از تصویب بگذرد. نهاد شورای نگهبان که شش فقیه در ترکیب آن حضور دارند می توانند مصوبات مجلس را هرگاه با نظرات فقهی شان در انطباق نباشد، با استناد به اصل ۶۹ به این دلیل که با احکام شرع در تعارض است، وتو کنند. در بیشتر موارد شریعت اسلام و فقه شیعه تفسیر می شود که قانونگذاری با هدف کنترل خشونت خانگی اساساً میسر نیست. حال آن که به گونه ای از سوی فقهای شورای نگهبان در بسیاری از کشورهای با اکثریت مسلمان، قانون خاص کنترل خشونت خانگی به نفع زنان و با رویکرد بازدارندگی و دور کردن مرد خشونت ورز از فضای زندگی خانوادگی، از تصویب گذشته و به آن عمل می شود و فقیهان هم به آن ایراد شرعی وارد نکرده اند. در سلطه و ریاست شوهر و پدر در خانواده، است. حال آن که در از لوازم تفاسیر فقهای شورای نگهبان از احکام شرع، گویا خشونت توسط جمع دیگری از فقها، تفاسیر دیگری از ریاست شوهر می شود که کاملاً با تفاسیر فقهای کشورهای از جهان و حتی در ایران شورای نگهبان تفاوت دارد. به این معنا که وقتی رئیس خانواده مرتکب رفتار خشونت آمیز بر ضد افراد خانواده می شود، ویژگی ریاست را از دست می دهد و در نتیجه، این زن است که باید در پناه دولت اعم از دولت اسلامی یا سکولار قرار می گیرد. و این مرد است که باید مجازات و دوری از خانواده را به طور موقت یا برای همیشه تحمل کند.

اما مکانیسم قانونگذاری در ایران با آن که نهاد شورای نگهبان را به شرحی که در اصول اعلام شده شرح داده شد، متصدی و ناظر بر قانونگذاری کرده است، ولی یک راه در برابر قانونگذاری شرعی گشوده که اگر اراده رهبر به سمت کنترل خشونت خانگی گرایش داشته باشد، این راه برای قانونگذاری بر پایه عرف و به قصد حفظ احترام و کرامت انسانی زنان در زندگی خانگی قابل استفاده است.

مجمع تشخیص مصلحت نظام در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف "به موجب اصل ۲۱۱ قانون اساسی می تواند دخالت "... موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند دوسوم اعضای مجلس شورای اسلامی بر آن کند. به این شکل که در صورتی که پس از اعلام نظر منفی شورای نگهبان، دست کم

مصوبه و ضرورت تصویب آن اصرار کنند و آن را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع دهند، مجمع با توجه به مصلحت نظام با آن که مصوبه با موازین شرع در انطباق نیست، از باب مصلحت نظام آن را تصویب کند.

با کمال تأسف حتی این درجه از انعطاف پذیری که در قانون اساسی آمده است، سبب نشده تا با قانونگذاری بدون دخالت شورای نگهبان و بر پایه نیازهای عرفی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، گامی استوار با هدف کنترل خشونت خانگی برداشته و قانون خاصی را با رویکرد بازدارندگی به نفع زنان در معرض خشونت از تصویب بگذرانند.

بنابراین مکانیسم قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران بکلی جامد و بسته نیست. قابلیت انعطاف دارد. هرگاه تجدید نظر در قوانین مرتبط با کنترل خشونت خانگی در دستور کار قرار بگیرد، به فرض که شورای نگهبان آن را در تعارض با موازین شرع تشخیص بدهد، مجمع تشخیص مصلحت نظام می تواند در صورت اصرار مجلس، مصوبه را به قانون لازم اجرا تبدیل کند. مجلس شورای اسلامی در این زمینه کاملاً بی تفاوت است و خود را درگیر چالش با شورای نگهبان نمی کند و از آن بیش چه بسا اعضای این مجلس تابعی از نظرات فقهی شورای نگهبان هستند.

## تکلیف رئیس جمهور

همچنین رئیس جمهور برای پایبندی به "مسئولیت اجرای قانون اساسی به عهده رئیس جمهور است" به موجب اصل ۳۱۱ قانون اساسی این وظیفه به موجب اصل ۱۲۱ قانون اساسی پس از انتخاب، در مجلس شورای اسلامی حاضر شده و قسم یاد می کند که حافظ قانون اساسی باشد.

به این اصول هم امید بسته اند تا کنترل خشونت در ایران به همت نهاد رئیس جمهور از هر دسته و جناح "خانه امن" بنابراین گردانندگان سیاسی که باشد، صورت اجرائی پیدا کند. بدیهی است نهاد ریاست جمهور با توجه به اصولی از قانون اساسی که به محرومیت زدائی، عدالت، نهی از منکر، رفع ستمگری، و مانند آن می پردازد، موظف است شرایط رشد زنان را فراهم کند. شرایط رشد زنان بدون کنترل خشونت خانگی امری محال و غیر ممکن است. مقدمات کنترل خشونت را نهاد ریاست جمهور باید متناسب با خواسته های قانون اساسی که شخص رئیس جمهور مسئول اجرای آن است و در برابر مردم (زن و مرد) سوگند یاد کرده است، مهیا کند.

در جریان بودجه بندی سالانه، ایجاد پست وزارت در امور زنان که بازوهای "خانه های امن" مقدماتی از قبیل تامین بودجه برای ایجاد اجرائی آن کنترل خشونت خانگی را در اولویت قرار دهند، از جمله فرصت های قانونی است که در حوزه کاری نهاد ریاست جمهور قرار جامعه مدنی با زمینه های مرتبط با کنترل خشونت خانگی در حوزه می گیرد. از آن بیش ایجاد تسهیلات برای شبکه سازی و توسعه کاری این نهاد است. توسعه مددکاری اجتماعی و حرفه آموزی زنان که در صورت گریز از خشونت خانگی، به فحشا ممکن است متمایل بشوند در حوزه کاری نهاد ریاست جمهوری است. اساساً وزارت هایی که متصدی بهداشت هستند، از لحاظ حفظ بهداشت جسم و روان زنان، ناگزیر باید نظارت بر خشونت خانگی را به کمک کارشناسان و مددکارانی که به خانه های خشونت زده اعزام می کنند، در اولویت قرار بدهند. همه این مقدمات اولاً با بودجه ملازمه دارد که دولت باید شرایط تامین آن را ایجاد کرده و بتواند مجلس را به آن متقاعد سازد. ثانیاً به قدرت شبکه سازی نیاز است که بدون همکاری سازمان یافته نظام پزشکی، پلیسی، مددکاری، نیروهای داوطلب و جلب همکاری جمعی از زنان قربانی میسر نمی شود.

بنابراین نهاد ریاست جمهور می تواند به بسیاری از خواسته های قانون اساسی و مقدمه آن برای ستم زدائی از زنان که خشونت خانگی از در فضای مجازی به تدریج از این ضرورت های "خانه امن" نمونه های با اهمیت آن است، صورت اجرائی بدهد. گردانندگان برنامه قانونی بیشتر خواهند گفت. (به اصول ۶۲۱ و ۷۲۱ نگاه کنید)

## فرصت های قانونی قوه قضائیه

پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی "اصل ۶۵۱ قانون اساسی وظائف قوه قضائیه را بیان کرده است. در صدر آن گفته شده که این قوه باید "گسترش عدالت" "رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات" باشد. به این منظور است که "و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت را باید تصدی کند." پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین "کشف جرم و تعقیب و مجازات" نظارت بر حسن اجرای قوانین

این وظائف در موضوع کنترل خشونت خانگی، قوه قضائیه را با دشواری های بسیاری در زمینه پیشگیری از خشونت خانگی، کشف جرم، مجازات و اصلاح مجرمین مواجه می سازد. بخشی از این مشکلات کاملاً بومی و فرهنگی است و بخشی جهانی است. در بسیاری از خشونت های خانگی اساساً شخص قربانی زیر سلطه سنت ها تن به ابراز و اظهار نمی دهد و در موارد بسیار حتی پلیس و قاضی چندان با زن خشونت دیده همدلی و همراهی نمی کنند. از این رو کار بر قوه قضائیه سخت است و ناگزیر باید از بودجه کافی و کارشناسان برجسته بهره مند بشود تا بتواند پیایی با توجه به افزایش روند و انواع خشونت خانگی، ترتیب باز آموزی قضات را فراهم کند. تربیت پلیس متصدی این امر از جمله اولویت هاست که بدون همکاری نهاد ریاست جمهور میسر نمی شود. تاسیس خانه های امن نیاز به همکاری سه قوه با یکدیگر دارد. جلب و جذب نیروهای داوطلب زنان کار آسانی نیست و در شرایط نابسامان معیشتی کنونی بسیار



معرفی کرده است. " مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری " سخت است. اما در هر حال اصل ۹۵۱ قانون اساسی قوه قضائیه را خشونت خانگی ناگزیر است به شکایات رسیده در زمینه خشونت خانگی رسیدگی کند. آن را که باعث طلاق، فرار زن و فرزندان از خانه، بالا رفتن نرخ انواع آسیب های اجتماعی مانند فحشا و اعتیاد و مانند آن می شود جدی بگیرد. پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین ( موضوع بند ۵ ماده ۶۵۱ ) بدون سازماندهی و آماده سازی نیروی انسانی متخصص و جلب و جذب نیروهای داوطلب ممکن نمی شود و این همه سوای پول و بودجه، به اعتماد سازی نیاز دارد تا قربانیان خشونت به جای فرار و پیوستن به باند ها و شبکه های فساد، به نهادهای حکومتی و به خصوص بازوهای مددکاری قوه قضائیه پناه ببرند. در مواردی که قوه قضائیه با خلاء قانونی برای کنترل و متقاعد کردن دولت " تهیه لوایح قضائی " خشونت رو به رو است، می تواند نیاز های خود را برای برخورد با این جرائم و کنترل آن با و مجلس به ضرورت تصویب و تامین بودجه آن، جبران کند. توسعه آزادی های مطبوعاتی با هدف طرح جنبه های زیان بار خشونت با یکدیگر به توافق برسند. خانگی، موضوع با اهمیت دیگری است که سه قوه می توانند با هم یاری یکدیگر، نسبت به آن

موفقیت در کنترل خشونت خانگی، البته موکول است به همکاری سه قوه مجریه و مقننه و قضائیه و بدون این همکاری، اصولی از قانون اساسی که در پیش گذشت اجرائی نمی شود.

مشورتی به زنان که وجود فرصت های قانونی در ساختار حقوقی کشور را باور دارند، در جریان کمک رسانی "خانه امن" گردانندگان کمبودهای قانونی و اجرائی با هدف پیدا کردن راه حل خواهند شد. در خشونت دیده، از این فرصت ها بیشتر خواهند گفت و گزارشگر این راه نظرات حقوقدانان، روانشناسان، جامعه شناسان، قضات، مددکاران، فعالان حقوق زن، پلیس و وکلای مدافع چنانچه در قرار می گیرد. "خانه امن" و شیوه های کنترل خشونت خانگی در دسترس اختیار گذاشته بشود، امکانات بیشتری برای پیدا کردن راه حل که در فضای مجازی شالوده ریزی شده دریغ نکنند. "خانه امن" امید است کارشناسان این نظرات و ایده ها را از

## کنوانسیون حقوق کودک قابلیت اجرائی در ایران را دارد



عکس: kurdistanmedia

### **پژوهشگر - وکیل: مهری ملکوتی**

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک اخیرا به مناسبت 20 نوامبر سالروز تصویب - به گزارش ایرنا پیمان نامه حقوق کودک گفته است: پیمان نامه حقوق کودک به دلیل محتوای انسان دوستانه و احترام این قشر از جامعه پذیرفته ترین کنوانسیون در جهان است و پیشتر مفادش در کشور قابلیت اجرائی دارد.

وی با بیان این که 30 درصد جمعیت کشور را افراد زیر 18 سال تشکیل می دهند، گفت: شناسائی وضعیت این کودکان مهمترین کاری است که باید انجام شود و برای انجام این امر به بانک اطلاعات و هماهنگ کردن خدمات نیاز داریم.

اعلام این نظرات از سوی یک مقام جمهوری اسلامی، خبری است خوش که در آستانه روز جهانی کودک امید بر دل ها می نشاند و به خصوص از میزان رنجی که ایرانیان با دیدن کودکان کار و کودکان خیابانی و کودکان معتاد، می برند اندکی می کاهد. دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک باید از امروز که 20 نوامبر 2014 میلادی است، تعهدات خود را نسبت به آن چه به صورت رسمی اعلام کرده است به عرصه اجرا نزدیک کرده و موانع سرراه اجرای مفاد کنوانسیون را با کارشناسان و مطبوعات در میان بگذارد.

## اهمیت ایجاد بانک اطلاعات

تاسیس این بانک بر بسیاری پرسش ها که هم اکنون با پاسخ های ضد و نقیض و گمراه کننده برخورد می کند، به خصوص برای شناخت برای پژوهشگرانی که وضعیت کودکان در شرایط دشوار ایران را در صد انواع آسیب پذیری های کودکان ضروری است. هنوز به درستی در مرکز مطالعات خود قرار می دهند، روشن نیست که مثلاً چند درصد از دانش آموزان دبستانی و دبیرستانی، در سال تحصیلی جاری در مدارس نام نویسی نکرده اند. آنها در چه موقعیتی به سر می برند؟ به عضویت باند های فساد و توزیع مواد مخدر و تکدی گری در آمده اند یا به صورت فردی زندگی نابسامان زیرزمینی محنت باری دارند؟ والدین آنها کجا هستند؟ بچه هائی که پدر یا مادر یا هردو در زندان است در چه شرایطی زندگی می کنند؟ آیا دولت برای حفظ آنها از آسیب پذیری، خانه های امن درست کرده یا برنامه ای برای آن دارد؟ پرسش ها بسیار است و دست اغلب پژوهشگران از این اطلاعات خالی است. بنابراین تاسیس بانک اطلاعات کودکان می تواند مانند یک مقدمه سازی ضروری، نیروی رو به رشد پژوهشگران جوان ایرانی را به آن سمت و سو سوق بدهد تا با اطلاعات درست آماری، تحقیق خود را پیش برده و در اختیار سازمان های برنامه ریزی کشوری و سازمان های اجرائی و نهادهای مرتبط با قانونگزاری و مراکز بهزیستی، بگذارند.

## سن بلوغ

امضا کرده و این شرط به مفهوم خودداری ایران از انطباق با موادی از " حق تحفظ" درست است که دولت ایران کنوانسیون را با کنوانسیون است که با احکام شرع در تعارض است. ولی بی گمان حتی با وجود این شرط، دولت ها نباید مبانی بنیادی کنوانسیون را نادیده بگیرند. این که بر خلاف مبانی بنیادی حقوق کودک که تا زیر 18 سالگی، دختر و پسر را کودک تلقی می کند، سن بلوغ در قوانین داخلی ایران برای دختر 9 ساله به سال هجری قمری و برای پسر 15 ساله به سال هجری قمری است، از مصادیق بارز نقض کنوانسیون و جریحه دار کردن روح کنوانسیون است. اگر این سن را به سقف تعریف شده کنوانسیون برسانند، آمار ازدواج دختر بچه های مردم اقشار گوناگون آموخته می شوند که دختر بچه ها را شوهر ندهند. یا پسر 15 ساله خود ایرانی خود به خود کاسته می شود و به تدریج را به سلیقه خود پای سفره عقد نشانند.

## امور مربوط به کنوانسیون

نکته مهمی که در سخنان آقای الوندی با اهمیت ارزیابی می شود این است که گفته است:

تا سال 88 وزارت امور خارجه امور مربوط به این کنوانسیون را انجام می داد و از سال 88 وزارت دادگستری دبیرخانه آن شد و دولت " نیز مرجعی به نام مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک را به رسمیت شناخت.

و تحول چگونه تاثیر و بازتابی در وضعیت کودکان ایرانی دارد. خوش بینانه می توان امید بست به نمی شود پیش بینی کرد که این تغییر این که وزارت دادگستری در تعامل با قوه قضائیه، نقش مثبتی ایفا کند تا کمبودها و کاستی های حقوق کودک در قوانین داخلی ایران را به صورت لوایح قضائی تدوین و برای تصویب در اختیار مجلس بگذارند. اصلاح قوانین همین حکم را دارد و تا وقتی در ساختار قوانین ایران پدر و جد پدری مالک بر جان و مال فرزند و نوه خود هستند، بعید است مفاهیم و مضامین انسانی مندرج در کنوانسیون حقوق کودک قابلیت اجرائی پیدا کند.

این است که شاید وزارت دادگستری به لحاظ نزدیک بودن به ارکان قوه قضائیه و قوه مجریه بهتر از وزارت امور خارجه بتواند به اجرائی شدن کنوانسیون کمک برساند.

## خشونت خانگی بر ضد کودکان

نبود قوانین کافی و کاربردی در کنترل خشونت خانگی، و محرومیت کودکان از تحصیل به علت فقر و اعتیاد و مهمل بودن پدر و مادر، موضوع مهم دیگری است که محتاج تصویب قوانین خاص است. حتی نبود این قوانین خاص برای زنان باعث می شود که کودکان همواره شاهد بر خشونت هائی شوند که مادر تحمل می کند و آنها در موارد بسیار برای فرار از مشاهده آن، خانه و خانواده را ترک کرده و به باندهای سیاه می پیوندند.

ارتقاء نقش مادران در حضانت و سرپرستی فرزند موضوع مهم دیگری است که تا قانونگذار به آن نپردازد، سلامت روانی کودکان تامین نمی شود.

## نتیجه گیری

81392753 روی پایگاه های اینترنتی و مطبوعات کشور دیدیم به فال/News/irna.ir/http://www. خبری را که امروز با لینک نیک می گیریم و امیدواریم سال آینده شاهد بر تحولات وسیع در وضعیت قانونی و اجتماعی کودکان ایرانی باشیم و برنامه های دقیق و انواع خشونت خانگی هستند که موثری برای حمایت از کودکان کار و خیابانی و معتاد را در حال اجرا ببینیم. جملگی از آثار و تبعات

در ایران نسبت به آن بی اعتنائی می شود.

## صدور شناسنامه برای کودکان حاصل از رابطه خارج از ازدواج



عکس: [Simon Yeo](#)

### پژوهشگر - مهری ملکوتی: وکیل

در فرهنگ و سنت ایران به اندازه ای است که این کودکان مظلوم حتی از حق صدور "حرامزاده" بسیاری تصور می کنند بار سنگین شناسنامه محروم مانده اند. از این نگاه موضوع را بررسی می کنیم که این کودکان تا چه اندازه در حمایت قانون قرار می گیرند. آیا پدر اگر شناسائی شده باشد نسبت به آنها مسئولیت های پدرانانه دارد؟ امکانات قانونی برای صدور شناسنامه برای آنها فراهم است؟

زنا یا رابطه جنسی خارج از ازدواج نه تنها در قوانین ایران که منبع آن احکام شریعت است، جرم تلقی می شود و در صورت اثبات در قرار می گیرد و مرتکب ( زن و مرد ) بی تردید و بی تخفیف باید مجازات شوند، بلکه به کودک حاصل از این " حق الله " فهرست نگاه می کنند که چون از نطفه حرام زاده به "مجرم بالفطره" رابطه بی آن که در به وجود آمدن خود، اراده و اختیاری داشته باشد، در جای وجود آمده، نمی تواند از احترام و شئون انسانی بهره مند باشد. در نتیجه صف او را به کلی از صف کودکان متولد شده از رابطه مشروع جدا می کنند. متأسفانه در فرهنگ ما در دوران هائی که هنوز قانون و قانونگذاری به سبک جوامع متجدد، پذیرفته نشده بود، مردم به هر جا "حرامزاده" و "زنازاده" صورت ظالمانه ای با این بچه های بیگناه برخوردهای اهانت بار داشتند و آنها تا وقتی زند بودند با عنوان که حضور می یافتند، مورد نفرت بوده و به صفات شیطانی از جمع رانده می شدند. چه بسا به سادگی آنها را می کشتند تا نشانه های فساد از روی زمین پاک شود. صاحب خونی هم وجود نداشت تا خون خواهی کند. پدر و مادر طفل خیلی که زرنک بودند جان خود را بر می داشتند و در می رفتند. البته اغلب مادران این نوزادها به دست خود، طفل را می کشتند و در زیاله می انداختند یا اگر خیلی عاطفی بودند او را لباس می پوشاندند و زیر سایه ای، روی پله و درگاهی می گذاشتند و شهر یا روستا را برای همیشه ترک می کردند.

امید بود ایرانیان پس از ورود به دوران قانون نویسی و پارلمان، بتوانند بر این خرافه ها که بی گناهی را به گناه پدر و مادر، تنبیه می کنند، خط بطلان بکشند. هنوز این امید به جائی نرسیده است. قانونگذار که خود اسیر باورهای این چنینی است، تا کنون نتوانسته کاملاً از بن بست های فرهنگی و ظالمانه ای که فاقد پشتوانه های علمی، عادلانه و انسانی است، خارج شود. اما توانسته است گام هائی بردارد تا دست کم، این انسان ها دارای شناسنامه و هویت شوند. در همین حد و اندازه هنوز بیشتر مردم و به خصوص زنان از آن خبر ندارند و گاهی جان خود و کودک را بر سر جهل خود می گذارند. در این یادداشت کوشش می شود از فرصت های قانونی که ممکن است در نهایت به یاد شده و باب گفت و گو با مادران و شاید پدران این کودکان باز شود. شاید به تدریج در کشور ما چنان تحولات داد این کودکان برسد، اجتماعی و قانونی اتفاق بیافتد که مادران به جای آن که این فرزندان را سرراه بگذارند یا نابود کنند و به زیاله دان بسپارند، آنها را در پناه قانون و جامعه ای که از خود خرافه زدائی کرده است، در آغوش بگیرند و حمایت کنند.

### حق بر صدور شناسنامه

در قوانین پذیرفته شده است. این حق 2 سال پیش از انقلاب اسلامی برای کودکان محصول روابط خارج از ازدواج دائم یا موقت

به موجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب سال 1355 یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و قانونگذار در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است. خوشبختانه پس از انقلاب براین قانون مهر تایید گذاشته شده و آن را معتبر اعلام کرده و بر قدرت و قوت آن افزوده اند.

## چگونه؟

تبصره ماده 16 و ماده " 1376 ضمن تاکید بر قانون سال 1355 توضیح داده: 3/4 - رای وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره 617 17 قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا این که "ابوین طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است".

لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید با استفاده از " در ادمه این رای وحدت رویه اضافه شده: عموماً و اطلاق مواد یاد شده و مسئله 3 و مسئله 47 از موازین قضائی از دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، زانی پدر ... عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می باشد

بنابراین حق فرزند حاصل از رابطه خارج از ازدواج حتی در صورتی که پدر از صدور شناسنامه برای او امتناع کند، تثبیت شده و پدر این شناخته می شود، مجبور است برای طفل شناسنامه بگیرد و قانونگذار بر پایه نظریه های "زانی" طفل که در زبان فقهی و قانونی ایران به نام طفل به رسمیت شناخته است. "پدر عرفی" فقهی اعلام شده پس از انقلاب اسلامی، او را در جای

## پدر عرفی چه تکالیفی به عهده دارد؟

کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می " رای وحدت رویه در تکمیل مفاد ذکر شده در بالا دستور می دهد: "... باشد و حسب ماده 884 قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است

بنابراین یک تکلیف عمده پدر شرعی که عبارت است از پرداخت نفقه طفل و هزینه های نگهداری و تحصیلات و تربیت و مراقبت به است. فقط بحث ارث منتفی است که هنوز مراجع اسلامی نتوانسته اند برای آن راه حلی پیدا کنند. بر طبق موازین "پدر عرفی" عهده ارث نمی برد. فرزند ناشی از "فرزند خوانده" اسلامی، ارث تابع اصل خون و نسب مشروع بین پدر و فرزند است و به همین دلیل است که رابطه خارج از ازدواج هم ارث نمی برد. با وجود این موانع شرعی گامی که قانونگذار در جهت بهبود وضعیت آنها 38 سال پیش برداشته و پدر را (اگر در دسترس و شناخته شده باشد) در جای پدر عرفی به رسمیت شناخته و به صورت قانونی او را مکلف به اجرای تکالیف پدری کرده است قابل ستایش است. انتظار می رود حکومت دینی که دست بازتری برای روزآمد شدن قوانین بر پایه نیازهای زمان و مکان دارد، این اقدام نیک را تکمیل کرده و موجبات رفع تبعیض از این کودکان را که گناهی مرتکب نشده و باید دارای حقوق کامل انسانی باشند، فراهم سازد.

## نتیجه گیری

حال که قانونگذاری در ایران با وجود موانع بسیار جدی شرعی و فرهنگی، وضعیت فرزندان ناشی از رابطه خارج از ازدواج یا به قولی زنازاده و حرامزاده را تا حدودی ضابطه مند و به سمت عدالت پیش برده است، انتظار می رود مردم نیز با حفظ شئون و احترام این انسان های بی گناه و مظلوم، به آنها مانند دیگر انسان ها نگاه کنند و قانونگذار را تشویق کنند تا وضعیت آنها را به وضعیت دیگر بچه هایی که محصول ازدواج شرعی هستند نزدیک کند. فشارهای اجتماعی برای بهبود قانونگذاری و روزآمد کردن آن همواره جواب می دهد. این بچه ها در هر خانه ای که بزرگ شوند در معرض همه گونه خشونت خانگی بوده و آنها را نطفه حرام می دانند که نشانه شر است و حضورش برای کسانی که با او زندگی می کنند، نکبت و بدبختی در پی دارد. برای خرافه زدائی از این افکار و اندیشه های کاملاً غیر علمی، کارهای فرهنگی به صورت گسترده از سوی نهادهای مردمی ضروری است. کل مناسبات خانوادگی، اجتماعی در 38 سالی که از تصویب آن قانون می گذرد تغییر کرده است و در نتیجه بازنگری در داوری های نا متناسب با تحولات اجتماعی ضروری است.

**چرا نمی توانیم در این پیش فرض ها و پیش داوری های غیر علمی و ظالمانه خود تجدید نظر کنیم؟**

# طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر بحران ساز شد



عکس: تابناک

پژوهشگر - وکیل: مهری ملکوتی

رویداد اسیدپاشی به زنان جوان که در ایران بحران ایجاد کرده است، پرسش های زیادی در ارتباط با رابطه امر به معروف و نهی از منکر پیش رو می گذارد که تا کنون پیرامون آن پاسخ سنجیده ای انتشار ، "خشونت خانگی مردان علیه زنان" و "زنان" با رفتار و پوشاک نیافته است. خانه امن با استفاده از فرصت، مهم ترین پرسش ها را مطرح می کند:

- آیا اسلام امر به معروف و نهی از منکر را فقط نسبت به زنان روا داشته است؟
- آیا خشونت ورزان شناخته شده در جامعه که برای خود دار و دسته راه انداخته اند، قدرت تشخیص مواردی که امر به معروف و نهی از منکر نسبت به آن مقتضی است، را دارند؟
- این دستجات از کدام مراجع دینی مجوز گرفته اند تا موارد امر به معروف و نهی از منکر را شخصا تشخیص بدهند؟
- آیا اگر اینان با زن و دختری مواجه بشوند که مورد خشونت شوهر، پدر یا برادر قرار گرفته است، وارد حوزه امر به معروف و نهی از منکر می شوند و سراغ مرد خشونت ورز می روند، یا زورشان نمی رسد، در عوض زن مجروح و زخم خورده را به باد نصیحت می گیرند؟

این ها چند پرسش از صدها پرسشی است که زنان ایرانی پاسخ آنها را می طلبند. فقیهان و مراجعی که به صورت علنی وارد این بحث ها نمی شوند و به صورت مجمل و کلی و مبهم، پیرامون آن داد سخن می دهند، افکار زن ستیز را در کشور تقویت می کنند و برای صاحبان خاص زنان صادر شده و لاغیر. "امر به معروف و نهی از منکر" این افکار، توهم ایجاد می شود که گویا دستور

را افرادی تشخیص می دهند که صلاحیت ندارند و با این ادعا به آن اعتبار می "منکر" و "معروف" و پر تنش که در آن در فضای پرابهام بخشند که هر فرد مسلمانی می تواند وارد حوزه امر به معروف و نهی از منکر بشود، طبیعی است که پیامد آن فاجعه است و به زنان صدمه می زند و در نهایت نظام سیاسی کشور که نیاز به ثبات و آرامش و امنیت برای بهبود سیاست های اقتصادی دارد، از آن زیان می بیند.

بنابراین بی دقتی در انتقال مفاهیم و مضامین مندرج در دستورات دینی، به جای آن که از این مفاهیم و مضامین برای خیر و مصلحت مردم استفاده شود، نتیجه برعکس می دهد و بر پیچیدگی مسائل و بحران های اجتماعی می افزاید.

حمایت از آمران به "هم اکنون طرحی در مجلس در دست بررسی است که پیرامون آن حرف و سخن بسیار است. نمایندگان که طرح را به مجلس برده اند، پیش از آن که این طرح زیان بار را از تصویب بگذرانند، با بحرانی مواجه شدند که حتی "معروف و ناهیان از منکر اگر خط و ربطی با آن نداشته باشد، طرح مورد بحث را بی اعتبار می کند. طرح بستری خواهد بود برای از کف رفتن امنیت زنان به گونه ای که معلوم نیست اساسا آمران به معروف و ناهیان از منکر از کدام کفایت دینی و اخلاقی برای آن برخوردارند. اسید پاشی درست در مقطعی اتفاق افتاد و مردم را پریشان حال کرد که این طرح در دست تهیه و تصویب بود. لذا با آن که انکار می شود اسیدپاشی ها ربطی به بدحجابی دارد، در عمل نمی توان این خط و ربط را انکار کرد. آقایان مجلس به جای آن که طرح را از دستور خارج کند، به گزارش [ایسنا](#)، دیروز سه شنبه 29 مهرماه، با تصویب ماده ای از طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب کردند که هیچ کس حق ندارد به عنوان آمر به معروف و یا نهی از منکر به اعمال مجرمانه مبادرت کند.

اعمال مجرمانه مندرج در ماده 6 عبارت است از: توهین، افترا، ضرب، جرح، و قتل.

به موجب این مصوبه مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی مجازات می شود.

نمایندگان مجلس با 155 رای موافق، 13 رای مخالف و 3 رای ممتنع از مجموع 217 نماینده حاضر این ماده از طرح حمایت از آمران به معروف را به تصویب رساندند.

### چند نقل قول مرتبط با طرح:

- شاهد بودید که اخیراً چه اتفاقی در « بررسی طرح گفته است: محمد رضا خباز، معاون تقنینی معاونت پارلمانی رئیس جمهور در جلسه اصفهان رخ داد، واداشتن دیگران به معروف یک کار اجرائی است و آیا احتمال نمی دهید که باعث درگیری و ایجاد مشکل در جامعه شود؟ »
- واقعه اصفهان را هشداری تلقی کنند که می تواند به « روزنامه جمهوری اسلامی روز سه شنبه خطاب به نمایندگان مجلس نوشته است: « آنها در جریان بررسی طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر برای پی بردن به نقاط ضعف این طرح کمک کند.

، نمایندگان در نشست علنی امروز ( چهارشنبه ) مجلس شورای اسلامی، در جریان رسیدگی [خانه ملت](#) به گزارش خبرنگار خبرگزاری « به طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر ماده 7 این طرح را با 111 رای موافق، 24 رای مخالف و 8 رای ممتنع از مجموع «195 نماینده حاضر در صحن تصویب کردند.

بر اساس ماده 7 این طرح مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر نمایند، قابل تعویق، تخفیف و یا تعلیق نیست.

همچنین بر اساس تبصره این ماده چنانچه مجنی علیه یا اولیای دم از حق خود گذشت نمایند، جنبه عمومی جرم حسب مورد مطابق ماده 1 رسیدگی می شود. 1392/2/ از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی مصوب 286 و تبصره ماده - تعزیرات - از کتاب پنجم 614

بنابراین هنوز هم به درستی بر ضعف های طرح پی نبرده اند و به امنیت آمران به معروف و ناهیان از منکر بسیار اهمیت می دهند. ولی از امنیت قربانیان آنها آسان می گذرند.

### چرا طرح ناگهان زیر ذره بین رفت؟

این نیز پرسش دیگری است که با موضوع این یادداشت ارتباط برقرار می کند. راستی چرا؟ پیشنهاد کنندگان طرح اگر ماجرای اسید پاشی حالا چه طور؟ چرا با وجود پیامد شوم و قربانی شدن چند زن جوان، اساساً اتفاق نیفتاده بود، به پیامدهای شوم آن اندیشه می کردند؟ طرح را از دستور کار مجلس خارج نمی کنند؟ زنان نماینده هرچند تعدادشان بسیار اندک است در برابر این طرح در کدام موضع قرار ده ها پرسش دیگر دارند؟ و داشته و

در هر حال تا همین جا هم که طرح را مجلسیان دارند با دقت نگاه می کنند، جای شکر دارد. محمد رضا باهنر که ریاست این جلسه را به عهده داشته گفته است:

« موارد دیگری از این طرح نیز اشکال دارد که در شور دوم پیشنهاد اصلاح آن را به کمیسیون خواهیم داد. »

### پیشنهاد خانه امن به مجلس

تعریف نکنند. بروند دنبال "زنانه" را فقط "امربه معروف و نهی از منکر" حال که طرح به بررسی مجدد گذاشته شده، انتظار می رود آمارهای خشونت خانگی که زنان قربانیان همیشگی آن هستند و پلیس و مراجع قضائی هم کمتر آن را جدی می گیرند. کسانی تربیت بشوند برای گزارشگری و اعزام بشوند به اورژانس های درمانی و به زنان مجروح و مصدوم در منازعات خانوادگی جرات بدهند. اعتماد به نفس بدهند تا بگویند چگونه شرف و کرامت انسانی شان پایمال خشونت مردان خانه می شود. آن وقت این آمران به معروف و ناهیان از منکر بروند سراغ مردان خشونت ورز و آنها را نهی از منکر کنند. البته به یک شرط که این آمران به معروف و ناهیان از منکر خود از سلسله مردان مرتکب خشونت نسبت به همسر، دختر، و خواهرشان نباشند.

مجلسیان یا نباید وارد این طرح می شدند یا حالا که شده اند، بار سنگین مسئولیت های رویدادهای آینده به عهده شان است. موظف اند زنان قربانی خشونت خانگی را پناه بدهند و مردان مرتکب خشونت خانگی را نهی از منکر کنند. چرا از صدا و سیما برای اجرای این مهم استفاده نمی شود. امکانات صدا و سیما که در اختیار دارند و کنترل خشونت خانگی از طریق آن میسر است.

اگر برنامه های فرهنگی در دستور کار قرار می گرفت نیازی به این همه امر به معروف و نهی از منکر نبود. اگر صدا و سیما برنامه هائی با ماهیت مخالفت با خشونت ورزی های خانوادگی، تدوین می کرد، بار قوه قضائیه سبک می شد. از خطراتی که زنان را در خانه ها تهدید می کند کاسته می شد.

اینک نه تنها از خطرات خشونت خانگی کاسته نشده، بلکه بر خطرات خشونت خیابانی به بهانه برخورد با زنان کم حجاب افزوده شده است.

مسئولیت این درجه از ظلم نسبت به زنان با کدام نهاد و مقام است؟

## یک پرونده



photo by:Cristiana Gasparott

پژوهشگر- وکیل - مهری ملکوتی

بود و کیفرخواست صادره، مجازات سنگسار را "زناى محصنه" دادگاه تشکیل جلسه داد. پروین در جایگاه متهم قرار گرفت. اتهام او قرار می گیرد و هنگامی که ثابت می "حق الله" در مجموعه "زناى محصنه" پیشنهاد می کرد. شوهر شاکی خصوصی بود، ولی جرم یکی از آنهاست برهاند. "سنگسار" که گفته می شود "حدود الهی" شود، حتی گذشت شاکی خصوصی نمی تواند، مرتکب را از مجازات تحت تاثیر آن قرار می گیرد. "انسان" بنابراین در جلسات رسیدگی، نقش وکیل مدافع بسیار اهمیت دارد و مرگ و زندگی یک

پروین در مرحله تحقیقات به رابطه جنسی خارج از ازدواج اقرار کرده است. مرد هم جرم او هم در جلسه رسیدگی حضور دارد. ولی مرد هم ست و وصف احصان، شامل حال او نمی شود. در نهایت به مرگ محکوم نمی شود. چرا؟ چون مجرد "زنا" جرم فقط متهم به ارتکاب است و زن ندارد. وکیل او هم در جلسه حاضر است. هر دو مجرم به صورت ظاهر مرتکب یک نوع جرم شده اند که رابطه خارج از ازدواج است، ولی قانونگذار دو گونه مجازات برای هر یک تعیین کرده است. نظر به این که زن شوهر دارد و ظاهراً دسترسی به تمتع جنسی با همسر شرعی و قانونی خود داشته، مجازات مرگ انتظارش را می کشد. اما مرد با آن که مرتکب همان جرم شده، به سبب آن که همسری محکوم می شود که مجازات سنگینی است، ولی با مجازات مرگ که مشروع و قانونی در دسترس نداشته، حداکثر به یک صد ضربه شلاق زن هم جرم او ممکن است به آن محکوم بشود، تفاوت دارد. بدون شک مرد هم جرم ادعا خواهد کرد که خبر نداشته زن متاهل است. در هر حال از سنگسار نجات پیدا می کند، اما از حد زنا نمی تواند خود را نجات بدهد.



آیا وکیل مدافع زن، دستش خالی است؟ با وجود این همه سختگیری های قانونی، وکیل نمی تواند به موکل خود کمک کند و او را از مجازات مرگ برهاند؟ صحنه را زیر چشم دارم. وکیل مدافع زن با اعتماد به نفس وارد دفاع می شود. موکلش حتی در حضور قاضی در جلسه اقرار کرده. نه یک بار که چهاربار. بنابراین به نظر می رسد، از وکیل مدافع کاری بر نمی آید. پس چرا این اندازه اعتماد به نفس دارد؟

دفاع از زن شروع می شود. دست وکیل خالی نیست. پیداست مدت ها روی پرونده کار کرده و می داند چه می کند. او ابتدا به دادگاه گزارش می دهد که شوهر موکلش، همسر جوان و زیبایی دارد که از یک سال پیش او را صیغه کرده است.

شرع که نکرده است. حاضران در گوشی به هم می گویند: این که ربطی به پرونده حاضر ندارد. کار خلاف

وکیل ادامه می دهد: مرد به ندرت به خانه همسر دائم می آمده و فقط با بچه ها دیدار می کرده، اما شب آنها را ترک می کرده است. وکیل با معرفی شهود که همسایه ها و فرزندان زن هستند به قاضی توجه می دهد که برای زن با آن که شوهر داشته، دسترسی به تامین تمینات جنسی به صورت مشروع میسر نبوده است.

خواستار می شود. ”زنای محصنه“ وکیل مدافع پس از ورود به مفاهیم فقهی و قانون مجازات اسلام در این باره، برائت موکل را از اتهام

ناقصی دارد و می گوید در هر حال او ناموس من دادگاه شوهر را فرا می خواند تا پاسخ بدهد. مرد از موازین فقهی و قانونی اطلاعات است و حق نداشته به علت این که من مدتی با او هم خوابگی نکرده ام، بی ناموسی کند و به غیرت مردانه من صدمه بزند.

به او چه مربوط که من زن دیگری گرفته ام. حکم ”آبرویم پیش در و همسایه و اهل محل و همکارانم رفته است. باید سنگسار بشود. اصلا دین را اجرا کرده ام. خلاف که نکرده ام. وکیل شوهر دست و پای خود را گم می کند و متوجه می شود در موقعیت ضعف قرار گرفته می کند دفاعیات موکل خود را رفع و رجوع کند نمی تواند. است. تقلا

قاضی چند شاهد را که پشت در ایستاده اند فرا می خواند. شهادت می دهند که مرد گاهی به خانه سری می زده و غروب از زن و فرزندانش جدا می شده است. البته شوهر نفقه می داده و به بچه ها و خواسته های آنها رسیدگی می کرده، اما حضورش موقت بوده و زن همواره از او نزد همگان ابراز گله مندی می کرده است.

قاضی به تامل می نشیند و اظهارات شاکی را بالا و پائین می کند و شوهر را سوال پیچ. تا به صراحت در می یابد که شوهرمدتها پیش از وقوع رابطه جنسی خارج از زناشویی، به همسرش نزدیک نمی شده است.

### نتیجه:

. سایه وحشتناک ”زنا“ تیره و اتهام او تبدیل می شود به ”زنای محصنه“ زن به لحاظ آن که امکان تمتع جنسی به صورت شرعی نداشته از مرگ به صورت سنگسار یا اعدام محو می شود و مجازات تبدیل می شود به یک صد ضربه شلاق.

اگر عادلانه داوری کنیم، زن اساسا نباید محکوم به مجازات می شد. چون شوهر با او هم خوابگی نمی کرده و او را در مشقت جنسی قرار داده بود. شوهر با استفاده از قانون و شرع، زن زیباتر و جوان تری را به صورت موقت عقد کرده وزن دائم او، یک چنین جوازی برای کام شاید در چنین شرایطی زن کاسه صبرش پر شده و به رابطه خارج از جوئی جنسی نداشته است. در عسرو حرج کامل به سر می برده است. ایجاد کرده است که به مرد انواع امکانات را برای کامیابی داده و همه را از ”قانون“ ازدواج تن داده است. در واقع انگیزه ارتکاب جرم را کار را تا سرحد کشتن او به دست قانون داده است. این زن دریغ کرده است. به جای آن به مردان جواز قتل ناموسی و شکایت از زن خلاف عدالت است؟

هم بخورد؟ عقل و عدالت شلاق راستی یک چنین انسان گرفتاری چرا باید علاوه بر زندگی مشقت باری که پشت سر دارد، یک صد ضربه را وسط بگذاریم. باید در تعریف عدالت، متناسب با زمانه ای که در آن زندگی می کنیم، تجدید نظر شود.

---

## وقتی قاضی از حیث ارتکاب خشونت خانگی قضاوت می شود





ssalonso عکس:

## پژوهشگر - وکیل: مهری ملکوتی

این گونه رایج است که مردان کم سواد و عامی، و مردان مذهبی مرتکب خشونت خانگی می شوند و مردان تحصیل کرده و سکولار و لائیک، به قطع و یقین، از خشونت خانگی پرهیز می کنند. تجربه وکلای مدافع، واقعیتی سواى این برداشت و فکر رایج را گزارش می دهد که خوب است به آن هم بپردازیم. وکلا دیده اند که در پرونده های خشونت خانگی، نرخ این خشونت نسبت به همسران مردان پزشک، مهندس، قاضی، وکیل، نماینده مجلس، استاد دانشگاه، هنرمند و مردان سکولار و لائیک، کمتر از نرخ خشونت خانگی در زندگی زوج های حاشیه نشین و کم سواد و مذهبی و سنتی نیست. این مشخصه بارز خشونت خانگی مانند دیگر مشخصه ها خاص ایران نیست و زنان در کشورهای غربی هم از آن رنج می برند. هر چند در این کشورها ترس از مکافات قانونی و از دست رفتن اعتبار و احترام اجتماعی، مردان از هر دسته و گروه را در بر می گیرد و در نتیجه از نرخ خشونت خانگی در جمع آنها می کاهد، ولی همچنان بسیاری از زنان متعلق به طیف الیت و نخبه، در معرض خشونت خانگی به سر می برند و چه بسا برای حفظ مقام و موقعیت شوهر، موضوع را در اختفا نگاه میدارند.

در هفته ای که گذشت یکی از این موارد در امریکا از اختفا در آمد و رسانه ای شد. روزنامه واشنگتن پست 23 سپتامبر به آن پرداخته است. یک قاضی فدرال به این اتهام دادگاهی شد. همسر قاضی که با دهان و پیشانی مجروح، موضوع را به پلیس اطلاع "خلاصه خبر این که: داد، سبب شد تا پلیس آتلانتا قاضی را به جرم تخطی از قانون دستگیر کند. سرانجام، قاضی فدرال مبلغ 5000 دلار وثیقه را پرداخت کرد که در قوانین کنترل کننده خشونت، گنجانده شده است، بر او مانند دیگر مرتکبین تحمیل شد. به این شرایط در "بازدارنگی" و شرایط قاضی فدرال که مرتکب خشونت خانگی شده، مشمول آن شد و "برنامه بازدارنگی پیش از برگزاری محاکمه" قوانین امریکا می گویند: تسهیلاتی است که "برنامه پیش از محاکمه" مقرر گردید به مدت 24 هفته در جلسات مشاوره شرکت کند تا لکه این اتهام پاک شود. این (1) "قانونگذار برای مراعات نسبت به کسانی پیش بینی کرده که نخستین بار مرتکب خشونت خانگی شده اند.

با وجود این تسهیلات، نظر به این که جامعه نسبت به خشونت خانگی بسیار حساس است، و رفتاری این گونه را از قاضی نمی جمعی از مسئولین و سیاستمداران دو حزب دموکرات و جمهوری خواه از قاضی فدرال خواستند تا استعفا بدهد. آنها گفتند با این "پذیرد، درخواست می خواهند نشان دهند برای خشونت خانگی عذری پذیرفته نیست. این رفتار به اندازه ای منفور و غیرقابل قبول است که نباید از کنار آن گذشت. به خصوص فردی که برای احراز کرسی قضاوت سوگند یاد کرده که عدالت را اجرا کند، نمی تواند با وجود این تخلف در موقعیت خود باقی بماند. توضیح این که قاضی فدرال یادآور شده است، رفتار خشونت آمیز او نسبت به همسرش، دفاع از خود (2) "بوده است. زیرا ابتدا زن یک لیوان را به طرف او پرت کرده است.

در حال حاضر تحقیقات ادامه دارد و برنامه پیش از محاکمه هم مطرح است، اما حساسیت نسبت به خشونت خانگی در این کشور به نظر آنها بر این است که اگر مسئولین و سیاستمداران (3) "اغلب عقیده دارند، کنگره نباید از اقدام علیه او دریغ کند" اندازه ای است که دو حزب که از قدرت زیادی برخوردارند، از قبح این رفتار کاملاً آگاه بودند، و آن را جدی می گرفتند، بی گمان می توانستند قاضی را با رفتار قاضی به روشنی حکایت از بی کفایتی او دارد و هر مدیر و مسئولی که مرتکب آن شود، کفایت از "اقدام فوری مجازات کنند دست می دهد. بی کفایتی قاضی فدرال بر خلاف منافع ایالات متحده امریکاست، زیرا از اعتمادسازی در رابطه قضات و مردم به شدت (4) "می کاهد.

قانون اساسی امریکا، تاکید دارد بر این که قضات فدرال تنها زمانی می توانند شغل خود را حفظ کنند که رفتار خوبی داشته باشند. خارج می "رفتار خوب" خوب مورد بحث قرار گرفته و به هر صورت که تعریف شود، رفتار قاضی با همسرش، از قلمرو "رفتار" اکنون شود و دیگر این قاضی نمی تواند شغل خود را حفظ کند. از این نگاه هرگاه موضوع تحقق جرم احراز شود، کنگره نمی تواند در پیگیری شرایط ویژه بر یک چنین جرمی حاکم است. این قاضی را باید از منظر منافع ایالات (5) "برضد این قاضی شک و تردیدی داشته باشد. متحده امریکا، قضاوت کرد، نه فقط متناسب با قانونی که اجازه می دهد مرتکب اگر برای نخستین بار دست به چنین اقدامی زده باشد، پس از دوران برنامه پیش دادگاهی، از اتهام مبری کنند.

این جاست که خشونت خانگی در کشورهایی که قبح آن را به رسمیت شناخته اند، به قدری اهمیت پیدا می کند که شایستگی یک قاضی عالی مقام با آن سنجیده شده و فشار رسانه ای و مردمی برای حذف او از حوزه قضاوت بر دو حزب و کنگره تاثیرگذار می شود.

در ایران خشونت خانگی هنوز این درجه از حساسیت را بر نمی انگیزد. هنوز در مواردی که مرتکب خشونت خانگی، یک شخصیت دینی، سیاسی، قضائی، اجتماعی و نظامی است، پلیس و مرجع قضائی در صورت مراجعه قربانی، احترام مرتکب را به صورت شگفت انگیزی حفظ می کنند و موضوع مسکوت گذاشته می شود. مضافاً این که زنان ترجیح می دهند وارد حوزه های حق خواهی که زیر سلطه نفوذ و قدرت شوهران شان است نشوند و سکوت را بر حق خواهی ترجیح می دهند.

مردان طبقات فرودست، کم سواد، حاشیه نشین، "هرگاه به خشونت خانگی در گستره جهانی اش بنگریم، موضوعی است که منحصرآ مذهبی و در ماهیت پرخاشگر را در بر نمی گیرد، و مردان بالای هرم قدرت سیاسی و نظامی و فرهنگی هم مرتکب آن می شوند. امید که در ایران برای کنترل خشونت خانگی، با مردان مرتکب خشونت خانگی بدون مرعوب شدن نسبت به جایگاه اجتماعی و حکومتی آن ها، برخورد قانونی شود تا زنان از هر دسته و گروه احساس امنیت کنند. گفته می شود سند امنیت زنان و کودکان ایرانی در دست تهیه و تدوین است. نمی دانیم آیا این سند به امر مهم خشونت خانگی آن گونه که لازم است توجه نشان خواهد داد؟

در هر حال برای کنترل خشونت خانگی، با کاستی های فراوان قانونی روبه رو هستیم و در اجرا نیز نه تنها مرد بودن مرتکب خشونت خانگی به خودی خود، برای او ایجاد مصونیت می کند، بلکه اگر او مقام حکومتی بوده و حتی با حکومت کمترین حشر و نشری داشته باشد، اساساً بر کرسی اتهاماتی از این نوع نمی نشیند. همسران این مردان یا از طرح شکایت علیه آنها به شدت می هراسند و تن نمی دهند یا هرگاه اقدام کنند، از کرده پشیمان می شوند و خشونت های بیشتری را باید تحمل کنند، بی آن که در مقام و منصب شوهر، تزلزلی ایجاد بشود.

(1)(2)(3)(4)(5) : The Washington Post, Tuesday, September 23, 2014, page, A14

---